

آسیب پذیری اقتصادی و تاب آوری اقتصاد

بررسی تحلیلی و تجربی از سیاست های کاهش آسیب پذیری اقتصادی، تقویت بنیه اقتصاد مقاومتی و شاخص های اندازه گیری



مرکز پژوهش های توسعه و آینده نگری

گروه پژوهشی توسعه، تأمین مالی و اقتصاد بین الملل

مجموعه گزارش شماره ۳۶۷

الله محمد

شناسه گزارش

عنوان	آسیب پذیری اقتصادی و تاب آوری اقتصاد
کد شناسه	۱۴۰۱-۸-۱۰۴۱۵
گروه پژوهشی	توسعه، تأمین مالی و اقتصاد بین الملل
پدیدآورنده	یدالله ابراهیمی فر
ناشر	مرکز پژوهش های توسعه و آینده نگری
تاریخ انتشار	شهریور ۱۴۰۱
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش های توسعه و آینده نگری نیست.	
حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش های توسعه و آینده نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن یا ذکر مأخذ بلامانع است.	
آدرس: تهران- خیابان نجات اللهی- خیابان استاد جعفر شهری (سپند شرقی)- پلاک ۱۶ شماره تماس: ۰۲۱-۴۳۳۰۶۰۰۰ شماره پیام رسان: ۰۹۹۲۱۵۷۵۸۴۳	
https://www.dfrc.ir/	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
أ	خلاصه مدیریتی.....
۱	مقدمه.....
۳	۱- معمای سنگاپور.....
۶	۲- آسیب پذیری اقتصادی.....
۸	۳- اقتصاد مقاومتی (تاب آور).....
۱۰	۴- ساخت شاخص اقتصاد مقاومتی.....
۱۱	۴-۳-۱- کسری بودجه.....
۱۱	۴-۳-۲- تورم و بیکاری.....
۱۲	۴-۳-۳- بدهی خارجی.....
۱۴	۴-۴-۱- حکمرانی خوب.....
۱۴	۴-۴-۲- توسعه اجتماعی.....
۱۸	۵- بررسی تولید ناخالص سرانه کشورها بر اساس شاخص های اقتصاد مقاومتی و آسیب پذیری.....
۲۰	۶- موارد استفاده از شاخص اقتصاد مقاومتی.....
۲۲	۷- جمع بندی.....
۲۳	پیوست.....
۲۸	منابع.....

فهرست جداول

عنوان

صفحه

-
- جدول ۱: ماتریس همبستگی بین اجزای شاخص اقتصاد مقاومتی ۱۵
- جدول ۲: نتایج رگرسیون تولید ناخالص داخلی ۱۸
- جدول ۳: آمار شاخص اقتصاد مقاومتی بر حسب متغیرهای شاخص و رتبه کشورها ۲۳
- جدول ۴: جایگاه کشورها در وضعیت‌های چهارگانه ۲۵
- جدول ۵: شاخص آسیب‌پذیری بریگوگلیو- گالی ۲۷

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۴.....	نمودار ۱: طبقه‌بندی چهارگانه کشورها از نظر ماهیت آسیب‌پذیری و اقتصاد مقاومتی
۵.....	نمودار ۲: خطرات مرتبط با اثرات منفی شوک‌های بیرونی
۱۹.....	نمودار ۳: پراکندگی کشورها از نظر میانگین شاخص اقتصاد مقاومتی و آسیب‌پذیری

خلاصه مدیریتی

۱- در ادبیات اقتصادی موجود در کشور پیرامون موضوع اقتصاد مقاومتی (تاب‌آور) مطالب کمتری را در خصوص بن‌مایه‌های اقتصادی- اجتماعی راهبرد اقتصاد مقاومتی و شاخص‌های اندازه‌گیری آن می‌توان یافت.

۲- این گزارش ضمن بررسی مطالعات بین‌المللی انجام شده در حوزه آسیب‌پذیری اقتصادی و تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی (تاب‌آور) و حوزه‌های مختلف اقتصادی- اجتماعی مرتبط با این موضوع، نحوه اندازه‌گیری شاخص اقتصاد مقاومتی (تاب‌آوری اقتصادی) را معرفی کرده و ۸۶ کشور را از نظر شاخص اقتصاد مقاومتی (تاب‌آوری) رتبه‌بندی می‌کند.

۳- آسیب‌پذیری اقتصادی به حالتی از یک اقتصاد ملی اطلاق می‌شود که کشور به‌واسطه سیاست‌های باز اقتصادی در معرض شوک‌های خارجی قرار گرفته و آسیب‌پذیر می‌شود.

۴- اقتصاد مقاومتی (تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری اقتصادی) به توان مدیریت اقتصاد ملی در کاربست سیاست‌های مقتضی اطلاق می‌شود که کشور به‌واسطه آن در مقابل تنگناها، فشارها و آسیب شوک‌های خارجی توان ایستادگی پیدا کرده و سریع خود را التیام می‌بخشد.

۵- در خصوص آسیب‌پذیری اقتصادی عوامل متعددی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند که عمده آنها عبارتند از:

۵-۱- باز بودن اقتصاد

۵-۲- تک‌محصولی بودن صادرات

۵-۳- وابستگی به واردات اقلام راهبردی

۶- عوامل مؤثر بر اقتصاد مقاومتی (تاب‌آور) متعدد هستند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۶-۱- ثبات کلان اقتصادی (متغیرهای کسری بودجه، تورم و بیکاری، بدهی خارجی)

۶-۲- کارایی در بازار بنگاه‌های اقتصادی (ساختار و ویژگی‌های بازار مالی، بازار نیروی انسانی و کسب و کار)

۶-۳- حکمرانی خوب (استقلال قوه قضاییه، بی‌طرفی دادگاه‌ها، نظام سیاسی و انسجام و یکپارچگی نظام

قانونی)

۶-۴- توسعه اجتماعی (متغیرهای توسعه اجتماعی شاخص اقتصاد مقاومتی (تاب‌آور) عمدتاً متأثر از

مؤلفه‌های آموزش و بهداشت هستند).

۷- حکمرانی خوب هم با کارایی نظام بازار و هم با توسعه اجتماعی، ضریب همبستگی بالایی دارد.

۸- محیط‌زیست: عمده شوک‌های مخرب به واسطه بی‌توجهی به حفظ محیط‌زیست متوجه اقتصاد یک کشور می‌شود. حوادث سریع مانند زلزله و سیل از زمره شوک‌های محیط‌زیستی هستند که تبعات منفی گسترده‌ای بر سطح اقتصاد و جامعه می‌گذارند.

۹- کشورها از نظر مؤلفه‌های آسیب‌پذیری و اقتصاد مقاومتی (تاب‌آوری اقتصادی) در چهار گروه بهترین‌ها، بدترین‌ها، خودساخته‌ها و خوش‌گذران‌ها طبقه‌بندی می‌شوند.

۹-۱- بهترین‌ها: کشورهای این گروه ذاتاً آسیب‌پذیر نیستند، اما الزامات تاب‌آوری اقتصادی و سیاست‌های مرتبط با آن را در اقتصاد نهادینه کرده‌اند.

۹-۲- بدترین‌ها: کشورهایی هستند که با اتخاذ سیاست‌های مغایر با تاب‌آوری اقتصادی، اثرات منفی آسیب‌پذیری بسیار بالای خود را تشدید می‌کنند.

۹-۳- خودساخته‌ها: کشورهایی هستند که آسیب‌پذیری آن‌ها ذاتاً در درجات بالایی قرار دارد؛ اما با اتخاذ سیاست‌های مناسب توانسته‌اند فشار بیرونی را تحمل و تاب‌آوری و بنیه اقتصاد مقاومتی خود را تقویت کنند.

۹-۴- خوش‌گذران‌ها: کشورهایی هستند که ذاتاً آسیب‌پذیری آن‌ها در درجات نسبتاً پایینی قرار دارد؛ اما به داشته‌های ناپایدار خود مغرورند و با ولنگاری و اتخاذ سیاست‌های شدیداً مغایر با تاب‌آوری اقتصادی، خود را در معرض خطر و اثرات مخرب شوک‌های بیرونی قرار می‌دهند.

۱۰- برای مقایسه کشورها از نظر شاخص اقتصاد مقاومتی، از متغیرهای مهم چهار حوزه: ثبات کلان اقتصادی، کارایی اقتصاد نظام بازار، حکمرانی خوب و توسعه اجتماعی در ساخت شاخص ترکیبی برای اقتصاد مقاومتی استفاده شده است.

۱۱- میانگین چهار مؤلفه شاخص اقتصاد مقاومتی برای ۸۶ کشور محاسبه شده است. در جدول پیوست مقادیر شاخص برای هر یک از مؤلفه‌های چهارگانه برای همه کشورهای مورد مطالعه در این گزارش ارائه شده است.

۱۲- یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که شاخص اقتصادی مقاومتی (تاب‌آور) برای جمهوری اسلامی ایران برابر با ۰,۴۴۵ است که در بین ۸۶ کشور مورد مطالعه در این گزارش در مرتبه ۶۳ قرار می‌گیرد. میزان شاخص ثبات کلان اقتصادی، کارایی اقتصادی، حکمرانی و انسجام اجتماعی که در میانگین‌گیری شاخص اقتصاد مقاومتی ایران منظور شده به ترتیب برابر با ۰,۵۹۵، ۰,۰۰۰، ۰,۵۵۵ و ۰,۶۳۰ است.

۱۳- در یک پژوهش دیگر که کشورها را از نظر شاخص مقاومت و آسیب‌پذیری اقتصادی مورد مطالعه قرار داده ایران با احراز شاخص مقاومتی ۰,۳۰۹ و شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی ۰,۵۰۹ در گروه بدترین‌ها قرار گرفته است.

نکته آخر: یافته‌های گزارش حاضر بر اساس اطلاعات در دسترس پژوهشگران مربوط به سال ۲۰۰۹ است؛ اما آنچه مهم می‌باشد روش بررسی و مطالعه پیرامون موضوع تاب‌آوری اقتصادی (اقتصاد مقاومتی) است. شناخت متغیرهای سیاستی مؤثر در آسیب‌پذیری اقتصادی و تاب‌آوری اقتصادی که در این گزارش معرفی شده دست‌مایه بسیار خوبی برای پژوهشگران کشور است. پاشنه آشیل برنامه توسعه کشور در ادوار گذشته تاکنون این است که هرگاه درآمدهای نفتی دولت افزایش پیدا می‌کند، توسعه فعالیت‌های اقتصادی به‌خصوص فعالیت‌های تولید صنعتی و کشاورزی، بر پایه زنجیره تولید شدیداً واردات پایه دنبال می‌شود. این سیاست توسعه کشور میراث گذشته می‌باشد که تاکنون به جا مانده است. فرصت بی‌بدیل استفاده از امکانات و ظرفیت‌های داخلی (تکمیل زنجیره‌های مفقوده تولید داخلی) به‌رغم تحمل هزینه هنگفت مشقت تحریم و دشواری‌های زندگی به امید شکل‌گیری ساختار تولیدی خوداتکا، از دست رفته است. کسب رتبه ۶۳ از ۸۶ کشور در شاخص اقتصاد مقاومتی مبین این غفلت در برنامه‌ریزی توسعه است.

امید است پژوهشگران با الگوگیری از گزارش حاضر، مطالعات جدیدی را در خصوص عملکرد سیاست‌های اقتصادی مقاومتی انجام داده و رویکردهای سیاستی قوی‌تری را برای ارتقای جایگاه کشور در برنامه هفتم پیشنهاد کنند.

استبدار تنها دو کاری تواند بکند: یکی تهدید نظامی است که مرتب می‌کند، یکی هم تحریم؛ این دو هم علاج دارد. علاج مسدود تحریم عبارت است از همین اقتصاد مقاومتی. تنها باید عمل کرد؛ این جور نباشد که بزبان بگویم، در عمل کند حرکت بکنیم. تمام مسلم رهبری

پیشگفتار

ضرورت توجه به موضوع اقتصاد مقاومتی با توجه به فرصت‌های به وجود آمده یک موضوع بسیار مهم است. ماهیت اقتصاد ایران از نوع اقتصادهای رانتی می‌باشد و این مفهوم در ادبیات اقتصادی، واژه آشنا است. به اعتبار این شناخت از ماهیت اقتصاد ایران در محافل عمومی، دانشگاهی و کارشناسی کشور همیشه انتقاداتی نسبت به رویکرد اقتصادی دولت‌ها وجود داشته است. اقتصادهای تک‌محصولی برای تأمین نیازهای بودجه‌ای خود به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به درآمد صادرات تک‌محصولی متکی هستند. تا به امروز، بیشتر انتقادات از این زاویه به مدیریت اقتصادی دولت‌ها وارد شده است؛ اما در مقام اصلاح وضعیت موجود و ایجاد تغییرات ساختاری، تحول قابل توجهی پدید نیامده است. علت آن این نیست که دولت‌ها نخواستند بلکه با مقاومت‌هایی مواجه بوده‌اند، زیرا انجام اصلاحات ساختاری کوتاه‌مدت و یا میان‌مدت مستلزم اجرای سیاست‌های ریاضتی و دارای هزینه سیاسی بوده است. معدود کشورهایی را می‌توان یافت که آگاهانه حرکت جدی را در این خصوص انجام داده باشند، حداقل در منطقه ما کشوری با این خصوصیت وجود ندارد.

در این ارتباط وقتی مسائل، به‌خصوص مسائل اقتصادی در محافل عمومی و دانشگاهی و کارشناسی کشور (چه قبل از انقلاب و بعد از انقلاب) مورد بررسی قرار می‌گیرد، تقریباً به یک مسئله کلیدی و یک نگاه مشترک آنها می‌توان پی برد. «تا زمانی که نفت است ما مشکل اقتصادی ناشی از نوسانات بازار قیمت نفت را خواهیم داشت. تنبلی اقتصاد و سایر گرفتاری‌های کشور به خاطر ثروت نفت است». هرچند این یک بیان عامیانه از برداشت‌های جامعه از اقتصاد نفتی است؛ اما درخور تأمل زیادی است. از طرف دیگر به دلایلی که در بالا برشمرده شد، نبود یک برنامه اجرایی برای رهایی از صادرات تک‌محصولی نفت و کاهش تأثیرگذاری آن بر مجموعه فعالیت‌های اقتصادی به‌وضوح مشاهده می‌شود.

حال پس از گذشت سالیان دراز از زندگی اقتصاد نفتی ایران، بر اثر تحریم اقتصادی دنیای غرب این فرصت پیش آمده است که تهدیدهای اقتصاد تک‌محصولی به فرصت تبدیل شود (عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد). درواقع گزینه برخورد با این مسئله از حالت انتخاب خارج شده و ماهیت اجبار پیدا کرده است. نکته دیگر این است که مردم ایران در دوران انقلاب و بعد از انقلاب ثابت کرده‌اند همیشه پشتیبان سیاست‌های استقلال طلبانه دولت بوده و هزینه‌های آن را در عمل پرداخته‌اند. تحریم اقتصادی دنیای غرب در چند سال اخیر فشارهای سنگینی را بر مردم وارد کرده است؛ اما ملت ایران در مواجهه با تنگناهای ایجاد شده، همواره همراه مسئولین و پشتیبان آنها بوده‌اند. از این‌رو در شأن ملت است که مسئولین پاداش این همه پایمردی‌های مردم را از طریق اتخاذ و اجرای سیاست‌های

اقتصاد مقاومتی جبران کنند. مردم ایران هزینه تحمل مشقتها و رنج‌ها را به امید ایجاد یک اقتصاد مطمئن پرداخته‌اند؛ بنابراین از این فرصت طلایی باید استفاده مطلوب کرد و اقدام عملی را برای تحکیم بنیه اقتصادی کشور به اجرا درآورد. بنابراین شایسته است برنامه هفتم کشور سنگ بنای حرکت به سمت بلوغ اقتصادی و خوداتکایی پایدار را مستقر سازد.

گزارش حاضر، بررسی تحلیلی و تجربی از پدیده آسیب‌پذیری^۱ و تاب‌آوری اقتصادی (مقاومت اقتصادی)^۲ در مقابله با تهدیدات است؛ اما می‌توان درس‌های تجربی مفیدی از آن گرفت. حداقل انتظار این است که در نظام مدیریت اقتصادی کشور برنامه‌های مشخصی تدوین شود که با وجود برخی از آسیب‌پذیری‌های ذاتی، نظام بتواند اثرات آنها را خنثی یا نفی کند و عملکرد آن نیز در طی زمان قابل ارزیابی باشد. البته لازم است نسبت به توصیه‌های سیاستی نهادهای بین‌المللی که در این نوع گزارش‌ها مطرح می‌گردد دقت و تأمل بیشتری شود، زیرا این توصیه‌ها در بسیاری از موارد همسو با سیاست‌های غالب دنیای غرب و منافع نظام اقتصادی آنها است.

1. Economic vulnerability
2. Economic resilience

مقدمه^۱

بسیاری از کشورهای کوچک^۲ هستند که به‌رغم شرایط آسیب‌پذیری‌شان نسبت به شوک‌های اقتصادی بیرونی، توانسته‌اند به تولید ناخالص نسبتاً بالایی (از نظر سرانه تولید) دست یابند. این موفقیت آنها دلالت بر وجود عواملی در اقتصاد ملی دارد که می‌تواند به عنوان سپر در مقابل نقاط آسیب‌پذیر اقتصادی ملی عمل کند. به دلیل وجود تعارض بین آسیب‌پذیری اقتصاد ملی و رشد اقتصادی بالا به این حالت **معمای سنگاپور** می‌گویند چون این پدیده ابتدا در سنگاپور مورد شناسایی قرار گرفته است. با وجود اینکه این کشور در معرض شوک‌های بیرونی بسیاری قرار دارد، توانسته است به نرخ‌های بسیار بالای رشد اقتصادی دست یابد و تولید سرانه بالایی را برای خود حفظ کند. صاحب‌نظران و تحلیلگران مسائل اقتصاد مقاومتی، این واقعیت اقتصادی را به توانمندی کشورها در اتخاذ و اجرای سیاست‌های مناسب و مقتضی نسبت می‌دهند و نشان داده‌اند چگونه یک کشور می‌تواند با ساخت زیربنای اقتصادی مقاومتی و ایجاد توانمندی، خود را نسبت به شوک‌های بیرونی مقاوم سازد.

آسیب‌پذیری اقتصادی از نقطه نظر مفهومی و تجربی در ادبیات و متون اقتصادی واژگان آشنا و تعریف شده‌ای است.^۳ شواهد تجربی در اکثر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که کشورهای کوچک، به‌خصوص کشورهای جزیره‌ای مانند سنگاپور را باید در زمره کشورهای برشمرد که درجه باز بودن اقتصاد و صادرات تک محصولی آنها بسیار بالا است. این ویژگی اقتصادی، هر کشوری را در معرض شوک‌های بیرونی قرار می‌دهد و آن را آسیب‌پذیر می‌سازد و این خود یک نبود مزیت برای توسعه اقتصادی کشور محسوب می‌شود. دلیل آن ساده است، زیرا تعقیب رشد اقتصادی به اتکای سیاست باز اقتصادی موجب می‌شود عناصر ریسک و خطر سریع به شرایط باز واکنش نشان دهند، بدون اینکه الزاماً پیامد مثبتی برای کشور داشته باشند. برخی از اقتصاددانان نشان داده‌اند^۴ که افزایش ریسک می‌تواند بر رشد اقتصادی اثر معکوس بگذارد، زیرا اثرات منفی پایین‌دستی آن از اثرات مثبت بالادستی بیشتر خواهد بود. نوسانات در تولید ناخالص داخلی و در درآمد یا عایدات صادراتی کشورهای کوچک هرچه بیشتر باشد، آسیب‌پذیری آنها نیز بیشتر خواهد بود؛ به عبارت دیگر، این نوسانات مظهر آسیب‌پذیری آنها نسبت به شوک‌های بیرونی است.

۱. برگرفته از آخرین اصلاحات مقاله Briguglio

۲. کوچک بودن کشور به لحاظ میزان جمعیت مورد نظر است. البته باید اشاره داشت که برای نشان دادن اندازه یک کشور متغیر تعریف شده‌ای وجود ندارد. معمولاً از جمعیت به عنوان یک متغیر برای نشان دادن اندازه یک کشور استفاده می‌شود.

۳. Briguglio, 1995

۴. Cordina (2004a, 2004b). این اقتصاددان مفهوم در معرض خطر قرار داشتن را در قالب یک مدل رشد اقتصادی مبتنی بر پارادایم نئوکلاسیک‌ها مطرح کرده و نشان داده است که چگونه تولید ناخالص سرانه یک کشور با منابع و بهره‌وری آن رابطه مستقیم و با آسیب‌پذیری درونی نظام رابطه منفی دارد. بعلاوه نشان داده است که اثرات منفی آسیب‌پذیری به درجه کاهندگی تولید نهایی بستگی دارد که این هم به نوبه خود تحت تأثیر سیاست‌ها و اقداماتی است که دولت اتخاذ می‌کند، در نتیجه با ویژگی قوام و انعطاف‌پذیری اقتصاد سازگار است. این روش تحلیل نشان داده است که تشکیل سرمایه و بهبود و ارتقای شرایط اقتصادی که موجب کند یا به تأخیر انداختن شروع مرحله کاهش تولید نهایی می‌شود، همراه با تمهیدات کلان اقتصادی و انعطاف‌پذیری در بازار بنگاه‌های اقتصادی می‌تواند به عنوان مهم‌ترین پشتیبان و حامی اقتصاد مقاومتی (قوام و انعطاف‌پذیری اقتصادی) مطرح باشد.

بخش اول گزارش به موضوع معمای سنگاپور می‌پردازد. قسمت دوم و سوم به تعاریف آسیب‌پذیری اقتصادی و اقتصاد مقاومتی اختصاص یافته است. در قسمت چهارم، رویکردهای جایگزین برای ساخت شاخص‌های اقتصاد مقاومتی مورد مطالعه قرار گرفته و نتایج یک روش‌شناختی مطلوب ارائه شده است. قسمت پنجم به بررسی رابطه بین تولید سرانه و آسیب‌پذیری و اقتصاد مقاومتی پرداخته است. بخش ششم به موارد استفاده از شاخص اقتصاد مقاومتی و درنهایت، بخش بعدی به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

۱- معمای سنگاپور

معمای سنگاپور به یک شرایط ظاهراً تضادگونه اشاره دارد، کشوری که می‌تواند شدیداً در معرض شوک‌های بیرونی قرار گیرد و در نتیجه اقتصادش آسیب‌پذیر شود؛ اما ممکن است اقتصاد را به گونه‌ای مدیریت کند که بتواند تولید ناخالص سرانه خود را در سطح بالایی، پایدار نگه دارد. این دو جریان معمولاً باهم نمی‌خواند و به این دلیل به آن معما گفته می‌شود. اقتصاددانان با مقابل هم قرار دادن دو پدیده آسیب‌پذیری اقتصادی و قوام و انعطاف‌پذیری اقتصادی (اقتصاد مقاومتی) در مقام توضیح این پدیده برآمده‌اند و روش تحلیلی خاصی را برای این منظور پیشنهاد کرده‌اند. در این روش، آسیب‌پذیری اقتصادی به شرایط ذاتی یا ساختاری نسبت داده می‌شود که کشور بر اثر آن در معرض شوک‌های برونزا قرار می‌گیرد، در حالی که قوام و انعطاف‌پذیری اقتصادی (اقتصاد مقاومتی)^۱ به اقداماتی مرتبط است که توسط سیاستگذاران و بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی اتخاذ می‌شود و کشور به واسطه این اقدامات، توان ایستادگی و تحمل شوک‌های برونزا را پیدا می‌کند یا اثرات نامطلوب شوک‌ها را التیام می‌بخشد. به علاوه، اقداماتی که به واسطه آن کشور قادر است از شوک‌های مثبت به نفع خود بهره‌گیرد را باید به عنوان ابزار قوام و انعطاف‌پذیری اقتصادی (اقتصاد مقاومتی) در نظر گرفت.

بر مبنای این روش تحلیل، اقتصاددانان کشورها را از نظر مؤلفه‌های آسیب‌پذیری و اقتصاد مقاومتی در چهار گروه بهترین‌ها، بدترین‌ها، خودساخته‌ها و خوشگذاران^۲ طبقه‌بندی کرده‌اند.

بهترین‌ها: کشورهای این گروه ذاتاً آسیب‌پذیر نیستند؛ اما الزامات اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های مرتبط با آن را مد نظر قرار می‌دهند.

بدترین‌ها: کشورهایی هستند که با اتخاذ سیاست‌های مغایر اقتصاد مقاومتی، وضعیت آسیب‌پذیری خود را تشدید می‌کنند.

خودساخته‌ها: کشورهای این گروه ماهیتاً آسیب‌پذیر هستند؛ اما با اتخاذ سیاست‌های مناسب توانسته‌اند فشار بیرونی را تحمل و بنیه اقتصاد مقاومتی خود را تقویت کنند.

خوشگذاران‌ها: کشورهای این گروه دارای آسیب‌پذیری اقتصادی اندکی هستند؛ اما با اسراف‌گرایی و اتخاذ سیاست‌های نادرست، خود را در معرض خطر و اثرات مخرب شوک‌های بیرونی قرار می‌دهند.

این چهار گروه را می‌توان به صورت نمودار ۱ نشان داد.

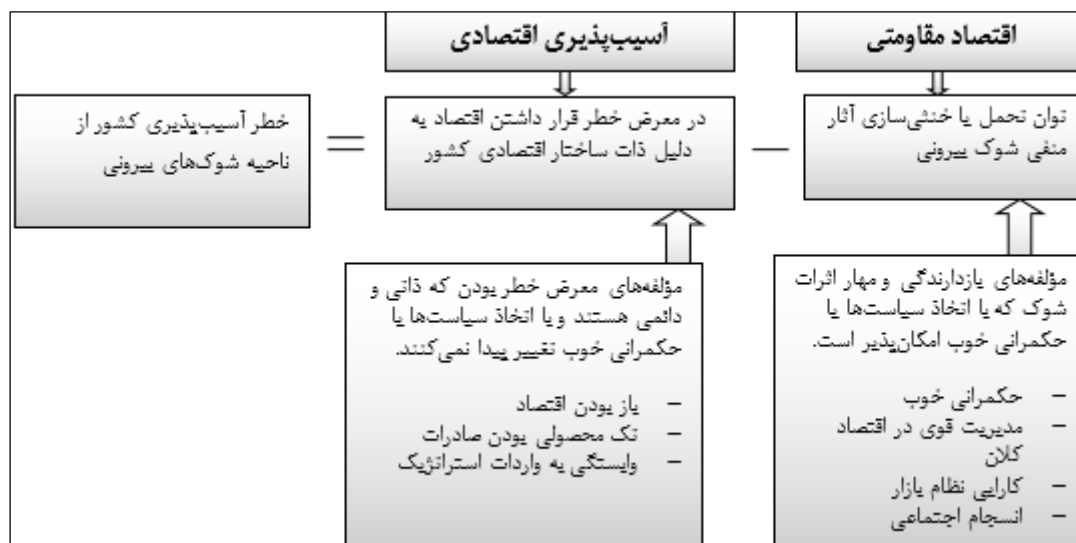
1. Guillaumont (2004)
2. Prodigal- son



نمودار ۱: طبقه‌بندی چهارگانه کشورها از نظر ماهیت آسیب‌پذیری و اقتصاد مقاومتی

تعریف آسیب‌پذیری برحسب ویژگی ذاتی یک کشور و تعریف اقتصاد مقاومتی برحسب تغییرات در توان مقاومت ناشی از اتخاذ سیاست‌های مناسب، دارای چندین حسن است. نخست اینکه، شاخص آسیب‌پذیری دلالت به ماهیت همیشگی یا شبه همیشگی دارد که بر اثر آن، کشور ذی‌ربط عملاً نمی‌تواند کنترلی بر اقتصاد داشته باشد؛ بنابراین آسیب‌پذیری این کشورها را نمی‌توان به کاستی‌های سیاستی آنها نسبت داد. به عبارت دیگر، نمی‌توان کشورهایی را که دارای شاخص آسیب‌پذیری بالایی هستند متهم کرد که با اتخاذ سیاست‌های نادرست و انحرافی به خود آسیب می‌رسانند. دوم، شاخص اقتصاد مقاومتی اشاره به توانمندی‌های یک کشور دارد که می‌تواند در کاهش آسیب‌پذیری ذاتی یا برعکس وخیم‌تر شدن آسیب‌پذیری مؤثر واقع شود. بنابراین، میزان این شاخص مبین تأثیرگذاری اقدامات سیاست اقتصاد مقاومتی است. سوم، ترکیب دو شاخص آسیب‌پذیری و مقاومت اقتصادی با یکدیگر نشان می‌دهد که در کل، اقتصاد یک کشور چقدر با اتخاذ سیاست‌های تدافعی می‌تواند اثرات سوء آسیب‌پذیری ذاتی را خنثی کند.

اگر بپذیریم که آسیب‌پذیری ذاتی اقتصاد پدیده‌ای است که کشور را همیشه در معرض خطرات و شوک‌هایی بیرونی قرار می‌دهد، در این حالت میزان شاخص مذکور نباید طی زمان تغییر زیادی داشته باشد. از این رو انتظار نمی‌رود که یک کشور بتواند (طبق نمودار ۱) به سمت بالا حرکت کند؛ اما تغییر وضعیت با حرکت افقی امکان‌پذیر است. به این معنا که اگر کشوری سیاست‌های مقتضی و مناسب را به کار بندد می‌تواند به مقاومت و توان تدافعی خود در مقابل شوک‌های بیرونی بیفزاید و اگر غفلت ورزد از مقاومتش کاسته می‌شود؛ بنابراین از نظر ملاحظات اقتصاد مقاومتی، این امکان برای کشورها وجود دارد که با تغییر سیاست‌های اقتصادی، بین بدترین‌ها و خودساخته‌ها یا بین خوشگذران‌ها و بهترین‌ها جابه‌جا شوند.



نمودار ۲: خطرات مرتبط با اثرات منفی شوک‌های بیرونی

با تمیز قائل شدن بین آسیب‌پذیری ذاتی اقتصاد و تقویت بنیه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌توان به یک چارچوب روش‌شناختی برای ارزیابی احتمال مواجهه با خطر شوک بیرونی دست یافت (نمودار ۲).

نمودار ۲ نشان می‌دهد که خطر شوک بیرونی دارای دو وجه است. وجه اول با شرایط ذاتی کشوری که در معرض شوک بیرونی قرار دارد، مرتبط است و وجه دوم با شرایط ایجاد شده در کشور برای جذب شوک و در نتیجه کاهش اثرات منفی یا اساساً برای خنثی‌سازی اثرات شوک مرتبط می‌باشد. بنابراین خطر تحت تأثیر قرار گرفتن کشور از تبعات منفی شوک بیرونی از ترکیب دو وجه بالا معلوم می‌شود. علامت منفی مقابل عبارت اقتصاد مقاومتی به معنای این است که با افزایش توان مقاومت و انعطاف‌پذیری اقتصادی، از میزان خطر شوک بیرونی کاسته می‌شود.

۲- آسیب‌پذیری اقتصادی

کار تجربی برای ساخت شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی غالباً با این منطق صورت می‌گیرد که آسیب‌پذیری یک کشور نسبت به شوک‌های بیرونی ناشی از یکسری ویژگی‌های ذاتی اقتصاد آن کشور است، از جمله باز بودن اقتصاد کشور در حد بسیار زیاد، تمرکز بر صادرات کشور و وابستگی به واردات کالاهای استراتژیک.^۱

۲-۱- باز بودن اقتصاد

باز بودن اقتصاد را می‌توان به صورت نسبت تجارت جهانی به تولید ناخالص داخلی کشور نشان داد. هرچه کشور از نظر این شاخص بازتر باشد کشور نسبت به شرایط اقتصاد بیرونی آسیب‌پذیرتر می‌شود، زیرا بر تحولات اقتصاد بیرونی کنترلی نخواهد داشت. باز بودن اقتصاد تا حد بسیار زیادی یک ویژگی ذاتی هر اقتصاد محسوب می‌شود. دو عامل عمده در شکل‌گیری آن مؤثر است: ۱- اندازه بازار داخلی کشور که بر نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی اثر می‌گذارد؛ بنابراین، اقتصادهایی که دارای بازار داخلی محدود برای تولیداتشان هستند لاجرم برای حفظ ظرفیت تولیدی خود باید به بازار صادراتی روی آورند؛ و ۲- منابع موجود و توانایی کشور در به‌کارگیری آنها به‌طور کارآمد در تولید انواع کالاها و خدمات برای پاسخگویی به تقاضای کل. اگر منابع موجود کفاف تأمین نیاز یا تقاضای داخلی را نکند ناگزیر کشور باید به واردات مصرفی یا واسطه‌ای متوسل شود که در این صورت بر نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی اثر می‌گذارد. برخی استدلال می‌کنند که باز بودن اقتصاد کشور به تجارت جهانی ممکن است تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی باشد که در این صورت سیاست‌های مذکور باید در حوزه مباحث اقتصاد مقاومتی مورد تأمل قرار گیرد. به هر حال تجربیات عملی نشان می‌دهد که سیاست‌های تجاری یک کشور می‌تواند بیشتر بر نوع مبادلات تجارت خارجی کشور تأثیر بگذارد تا به درجات باز بودن اقتصاد. اقتصادی که در آن تقاضای داخلی برای تولیدات کشورش اندک است (به دلیل کوچک بودن اندازه بازار داخلی) و گزینه‌های کمی برای فروش تولیدات خود دارد، ناگزیر باید به صادرات آنها روی آورد. همین‌طور کشوری که با محدودیت منابع طبیعی مواجه است، لاجرم برای تأمین تقاضای داخلی به واردات بسیار وابسته می‌شود. برخی عکس این حالت را استدلال می‌کنند که باز بودن اقتصاد به تجارت بین‌الملل می‌تواند منشأ قدرت برای اقتصاد کشور باشد، زیرا سهم بالا در تجارت جهانی نشانه توانمندی کشور در نفوذ به بازار جهانی است. این استدلال در نفعی واقعیت آسیب‌پذیری نیست، زیرا هر کشوری با مشارکت فعال در بازار جهانی عملاً خود را در معرض شوک‌های بیرونی قرار می‌دهد که کنترل اندکی بر آنها می‌تواند داشته باشد.

۱. Farrugia اقتصاددان معروف استدلال کرده است که توانمندی و قدرت اقتصادی طرف‌های تجاری یک کشور را می‌توان به عنوان یک مؤلفه شوک برای صادرات کشور در نظر گرفت.

۲-۲- تک محصولی بودن صادرات

وابستگی صادرات کشور به چند قلم اندک از تولیدات داخلی و نبود تنوع در صادرات باعث می‌شود که کشور بیشتر در معرض خطرات بازار جهانی قرار گیرد و در نتیجه باز بودن اقتصاد، آسیب‌پذیری را تشدید می‌کند. تک محصولی بودن در صادرات تا اندازه زیادی ناشی از ویژگی‌های ذاتی پایه تولید کشور است و این مسئله بیانگر این واقعیت است که کوچک بودن مقیاس تولید در اقتصاد داخلی، توانایی کشور را در تنوع‌سازی صادرات محدود می‌سازد. تمرکز صادرات را می‌توان با شاخص تجارت کالایی آنکتاد، اندازه‌گیری کرد.

۲-۳- وابستگی به واردات اقلام استراتژیک (راهبردی)

بعد دیگر در معرض خطر قرار داشتن، وابستگی به واردات استراتژیک می‌باشد که یک اقتصاد ملی ممکن است با آن مواجه شود. شوک این وابستگی از دو جهت اقتصاد ملی را تهدید می‌کند، یکی عدم قطعیت یا اطمینان از امکان واردات و دیگری هزینه واردات است. وابستگی واردات را می‌توان برحسب نسبت واردات انرژی، مواد غذایی و مواد اولیه صنعتی به تولید ناخالص داخلی مورد اندازه‌گیری قرار داد. وابستگی در این حالت هم تا اندازه بسیار زیادی ماهیت ذاتی دارد. اندازه کشور، موهبت منابع و امکان جایگزینی واردات از جمله عوامل ذاتی هستند که بر ساختار تولید و در نتیجه بر واردات تأثیر می‌گذارند.

شاخص‌های آسیب‌پذیری که در ساخت آن از عوامل فوق‌الذکر یا سایر متغیرهای مشابه استفاده می‌شود، همگی بر این یافته صحنه می‌گذارند که کشورهای کوچک در مقایسه با کشورهای بزرگ، بیشتر در معرض آسیب‌پذیری قرار می‌گیرند.

۳- اقتصاد مقاومتی (تاب آور)

منظور از اقتصاد مقاومتی در نوشتار پیش رو این است که کشور با اتخاذ سیاست‌های مناسب در مقابل توفان شوک‌های خارجی توان ایستادگی پیدا کند و سریع خود را به وضعیت اولیه برگرداند و یا شرایط داخلی را در مقابله با تأثیرات منفی شوک‌های بیرونی تنظیم نماید و در عین حال از جنبه‌های مثبت شوک به خوبی بهره گیرد.^۱ در گزارش حاضر از اصطلاح مقاومت به دو معنا استفاده شده است: ۱- توانایی کشور به ترمیم وضعیت متعاقب شوک و برگشت سریع به حالت اولیه؛ و ۲- توان ایستادگی کشور در تحمل اثرات شوک^۲ وارده.

۳-۱- توانایی کشور در التیام بخشی از اثرات منفی شوک‌های خارجی

این ویژگی کشور به انعطاف‌پذیری ساختار اقتصادی آن بستگی دارد که در صورت مهیا بودن آن می‌تواند پس از ورود شوک‌های خارجی، سریع خود را به حالت اولیه بازگرداند. این توانایی شدیداً به بنیه اقتصادی کشور بستگی دارد؛ بنابراین اگر کشور با کسری بودجه سنگین و مزمن مواجه باشد این توانمندی به شدت محدود می‌شود. از طرف دیگر، این توانمندی اقتصادی زمانی تقویت می‌شود که اقتصاد کشور از ابزارهای سیاستی مورد نظر و دلبخواه خود برخوردار باشد و بتواند از آن در جهت خنثی کردن اثرات منفی شوک بیرونی استفاده کند مانند برخورداری از بنیه مالی قوی. در این گونه شرایط سیاست‌گذاران اقتصادی می‌توانند به میل خود به مخارج بیفزایند یا از مالیات‌ها بکاهند و از این طریق با اثرات منفی شوک خارجی مقابله کنند. بنابراین، با برخورداری از بنیه مقاومتی مناسب می‌توان در جهت ضد شوک خارجی عمل کرد.

۳-۲- توانایی کشور در تحمل مشقات شوک خارجی

این توانایی به توانمندی اقتصاد کشور در ضربه‌گیری شوک‌های خارجی بستگی دارد، زیرا ضربه‌های نهایی شوک‌های خارجی بر اثر وجود این توانمندی گرفته می‌شود و یا شدیداً کاهش می‌یابد. این نوع مقاومت اقتصادی زمانی اتفاق می‌افتد که کشور از سازوکارهای لازم برای کاهش اثرات و ضربات شوک خارجی برخوردار باشد و بتواند همانند کمک‌فنا ماشین، آن ضربات و اثرات را خنثی کند. به عنوان مثال اگر کشور دارای نیروی کار انعطاف‌پذیر باشد، به این معنا که بتواند نیروی کار ماهر را در زمینه‌های مختلف تربیت و عرضه کند، در آن صورت می‌تواند از این قابلیت در مواجهه با شوک منفی تقاضای خارجی که بر بخش‌ها و فعالیت‌های مشخص وارد می‌شود مقابله کند. با جابجایی منابع (از جمله نیروی کار) از بخش آسیب‌دیده به بخش‌های دیگر که تقاضا برایش بیشتر است کشور می‌تواند از گزند اثرات منفی شوک تقاضا رهایی یابد.

۱. در اکثر فرهنگ‌های لغت از مقاومت (Resilience) به معنای توانایی در برگشت به وضعیت اولیه پس از بروز اثرات منفی یک حادثه تعریف شده است. این تعریف بر اساس ریشه لاتین این لغت که به معنای به پشت ایستادن و مقاومت کردن می‌باشد، گرفته شده است.

۲. شوک خارجی را می‌توان به بیماری آنفلوآنزا تشبیه کرد و هر دو معنای مقاومت را با این مثال توضیح داد. وقتی فردی در معرض ویروس آنفلوآنزا قرار می‌گیرد ممکن است: ۱- به آنفلوآنزا مبتلا شود، اما سریع بهبودی حاصل کند یا ۲- در مقابل این ویروس مقاومت کند و به دلیل داشتن مصونیت به این ویروس، تسلیم آن نشود.

۳-۳- اهمیت ملاحظات اقتصاد مقاومتی

مسئله تحکیم بنیه اقتصاد مقاومتی بیشتر برای کشورهای کوچک بسیار با اهمیت است، زیرا همان‌طور که قبلاً اشاره شد این کشورها ذاتاً دارای زمینه‌های آسیب‌پذیری اقتصادی هستند. به هر حال در تحلیل عملکرد اقتصادهای کوچک باید به این نکته توجه داشت که بین عوامل آسیب‌زا و عوامل مقاومت‌زا باید تفاوت و تمیز قائل شد.

به عنوان مثال، برخی از مطالعات نشان داده است که تنها بر اساس وجود یک رابطه همبستگی بین اندازه کوچک اقتصاد و متغیرهای عملکرد اقتصادی مانند رشد تولید ناخالص داخلی و سرانه تولید ناخالص داخلی می‌توان استدلال کرد که اندازه کوچک اقتصاد برای یک کشور، امتیاز تلقی شود. بنابراین هر تحلیل درست و کامل در خصوص رابطه بین اندازه اقتصاد یک کشور و عملکرد اقتصادی آن باید از متغیر سیاست‌های کنترلی مانند حکمرانی خوب اقتصادی بهره گرفته باشد. یکی از یافته‌های مهم گزارش حاضر این است که عملکرد نسبتاً خوب برخی از کشورهای کوچک مطمئناً به دلیل اندازه کوچک آنها نبوده بلکه به خاطر تقویت بنیه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی آنها بوده است. به عبارت دیگر، این عملکرد خوب آنها با وجود اندازه کوچک و آسیب‌پذیری ذاتی‌شان که در واقع نقطه ضعف تلقی می‌شود، تحقق یافته است. این مسئله خود بیانگر اهمیت سیاست‌های اقتصادی داخلی است که می‌تواند در تقویت بنیه اقتصاد مقاومتی، نقش کلیدی ایفا کند.

ملاحظات مربوط به ساخت بنیه اقتصاد مقاومتی نیز حامل این پیام است که کشورهای کوچک آسیب‌پذیر نباید در مواجهه با آسیب‌پذیری اقتصادی مغرور شوند بلکه باید بتوانند آن دسته از تدابیر و سیاست مقتضی را اتخاذ کنند که بر توانمندی آنان برای کنار آمدن با اثرات منفی یا خنثی کردن شوک‌های خارجی بیفزایند.

۴- ساخت شاخص اقتصاد مقاومتی

۴-۱- مشکلات مربوط به ساخت شاخص

در این قسمت نتایج تلاش برای ساخت یک شاخص ترکیبی از اقتصاد مقاومتی ارائه می‌شود. قبل از ورود به این مبحث لازم است به برخی از موارد توجه شود. انتخاب متغیرها برای ساخت این شاخص ترکیبی به نوعی دارای ماهیت ذهنی است. به هر حال دقت شده است تا متغیرها بر اساس یک مجموعه از معیارهای مطلوب مرتبط با پوشش مناسب از موضوع، ساده بودن و درک آسان، قابل تأمین بودن، مناسب بودن برای مقایسه بین‌المللی و شفافیت انتخاب شوند. برای آشنایی با جزئیات این ملاحظات می‌توان به نوشتارهای (Briguglio and Farrugia, 2007, 2003) مراجعه کرد. به‌علاوه تجمیع اجزای این شاخص، به‌خصوص در انتخاب روش وزن‌دهی، متضمن تصمیمات ذهنی است. در متون اقتصادی مرتبط با شاخص‌های ترکیبی بحث‌های نظری جدی وجود دارد. همچنین بریگوگیو و فاروگیا در کتاب خود به خوبی به این مسائل پرداخته‌اند.

در تهیه و ساخت این شاخص مسائل متعددی در ارتباط با جمع‌آوری داده وجود دارد که مهم‌ترین آنها مرتبط با کمبود داده‌ها و نبود تعاریف یکسان بین کشورها است. بریگوگیو در کتابش به این نکته اشاره دارد که مسائل داده‌های آماری به‌خصوص در ارتباط با کشورهای کوچک بیشتر به چشم می‌خورد.

۴-۲- عناصر شاخص اقتصاد مقاومتی

شاخص اقتصاد مقاومتی مطرح در این قسمت برای اندازه‌گیری اثر جذب شوک یا سیاست‌های معطوف به جذب شوک معرفی شده‌اند. در ساخت این شاخص فرض شده است که متغیرهای زیر در جذب شوک‌های منفی خارجی نقش دارند:

- ثبات کلان اقتصادی
- کارایی در بازار بنگاه‌های اقتصادی
- حکمرانی خوب
- توسعه اجتماعی

۴-۳- ثبات کلان اقتصادی

ثبات کلان اقتصادی به شرایطی گفته می‌شود که بر اثر تعامل بین تقاضای کل و عرضه کل در اقتصاد نمود پیدا می‌کند. اگر بین این دو، تعادل وجود داشته باشد در آن صورت می‌توان گفت یک توازن درونی در اقتصاد وجود دارد که پیامدهای آن عبارت است از: پایداری و ماندگاری وضعیت مالی دولت، تورم سطح پایین و نرخ بیکاری نزدیک به نرخ طبیعی و همچنین توازن در تراز خارجی (که در حساب جاری بین‌المللی کشور یا سطح بدهی‌های خارجی بازتاب می‌یابد).

متغیرهای فوق بسیار متأثر از سیاست‌های اقتصادی کشور هستند؛ بنابراین می‌توان آنها را به عنوان مؤلفه‌های مقاومت اقتصادی نسبت به شوک‌های منفی خارجی برشمرد.

عنصر ثبات کلان اقتصاد که در شاخص اقتصاد مقاومتی به کار رفته شامل سه متغیر است: ۱- نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی؛ ۲- تجمیع نرخ‌های بیکاری و تورم؛ و ۳- نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی. این متغیرها را می‌توان تقریباً برای طیف گسترده‌ای از کشورها (بسته به مراحل توسعه، اندازه و ویژگی‌های جغرافیایی آنها) به کار بست.

۴-۳-۱- کسری بودجه

وضعیت بودجه دولت یکی از متغیرهای مناسب برای لحاظ در شاخص اقتصاد مقاومتی است، زیرا کسری بودجه کشور نتیجه سیاست مالی دولت و یکی از ابزارهای اصلی در اختیار آن است و از نظر ملاحظات اقتصاد مقاومتی دارای ماهیت ضد شوک است. دلیلش ساده است، زیرا برخورداری از یک وضعیت سالم مالی به دولت‌مردان اجازه می‌دهد تا در مواقع بروز مشکل ناشی از شوک‌های خارجی، از سیاست‌های مالی (تنظیم دخل و خرج) استفاده کنند. بنابراین می‌توان از مؤلفه کسری مالی دولت (که برحسب درصدی از تولید ناخالص داخلی بیان می‌شود) در ساخت شاخص اقتصاد مقاومتی استفاده کرد.

۴-۳-۲- تورم و بیکاری

تورم قیمت‌ها و بیکاری نیز به عنوان دو مؤلفه مناسب برای ارزیابی اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود و در عین حال اطلاعاتی را علاوه بر کسری مالی دولت ارائه می‌دهد. دلیل گنجاندن آنها در شاخص اقتصاد مقاومتی این است که تورم قیمت‌ها و بیکاری بسیار تحت تأثیر سایر سیاست‌های اقتصادی دولت از جمله سیاست‌های پولی و طرف عرضه هستند. این دو مؤلفه با ویژگی اقتصاد مقاومتی بسیار مرتبطاند، زیرا اگر اقتصادی همواره دارای نرخ بالای تورم و بیکاری باشد احتمال اینکه شوک‌های خارجی هزینه‌های هنگفت بر اقتصاد وارد کنند بسیار بالا است. از طرف دیگر، اگر اقتصاد کشور دارای نرخ پایین تورم و بیکاری باشد، بدیهی است که می‌تواند شوک‌های خارجی وارده بر این متغیرها را تحمل کند بدون اینکه ضرر رفاهی بسیار زیادی را به دنبال داشته باشد. بنابراین با این استدلال، نرخ پایین بیکاری و تورم به اقتصاد مقاومتی ماهیت ضد شوک می‌بخشد. بنا به دلایل فوق، تجمیع این دو متغیر (نرخ تورم و بیکاری) که در اقتصاد به نام شاخص مشقت (یا شاخص رنج) یاد می‌شود در شاخص اقتصاد مقاومتی گنجانیده شده است.

۴-۳-۳- بدهی خارجی

کفایت سیاست اقتصاد بین‌الملل به خصوص تجارت خارجی کشور در مقابله با شوک‌های بیرونی را می‌توان از طریق نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی کشور مورد اندازه‌گیری قرار داد. اساساً این متغیر را باید به عنوان یکی از سنجه‌های اقتصاد مقاومتی برشمرد، زیرا کشوری که دارای سطح بدهی بالایی است به سختی می‌تواند منابع لازم را برای خنثی‌سازی اثرات شوک‌های بیرونی فراهم آورد. در نتیجه این متغیر همانند متغیرهای قبلی به اقتصاد مقاومتی ماهیت ضد شوک^۱ می‌بخشد.

جدول ۳ (پیوست) اطلاعات و رتبه کشورها را برحسب متغیرهای ثبات کلان اقتصادی مندرج در شاخص اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تعدادی از کشورهای کوچک، به خصوص سنگاپور و هنگ‌کنگ از نظر ثبات کلان اقتصادی در مرتبه نسبتاً بالایی قرار گرفته‌اند.

۴-۴- کارایی نظام بازار و نگاه‌های اقتصادی

علم اقتصاد در بررسی نظام بازار و کارایی آن از سازوکار قیمت استفاده می‌کند و آن را به عنوان بهترین راه برای تخصیص بهینه منابع در اقتصاد می‌شناسد. اگر بعد از وقوع شوک، بازارها بتوانند خود را سریع با شرایط تطبیق دهند و به تعادل اولیه خود برگردند، خطر تأثیر منفی شوک بر بازار در قیاس با تداوم شرایط عدم تعادل بازار، کمتر خواهد بود. در واقع اگر بازار در تطبیق با شرایط جدید ناتوان باشد یا به کندی واکنش نشان دهد، منابع اقتصادی به‌طور کارآمد در بخش‌های اقتصادی تخصیص نخواهد یافت و در نتیجه ضرر رفاهی به صورت بیکاری منابع و هدررفت یا کمبود در بازار کالا خود را نشان خواهد داد. اهمیت توجه به این نکات و ملاحظات در ارتباط با خاصیت ضربه‌گیری اقتصاد مقاومتی است.

مؤلفه‌های کارایی نظام بازار زیاد هستند؛ اما دسترسی یکسان به آنها برای همه کشورها امکان‌پذیر نیست. در سال ۲۰۰۵ دو اقتصاددان به اسم (Gwartney and Lawson) شاخصی با عنوان شاخص جهانی آزادی اقتصادی معرفی کردند. برخی از عناصر تشکیل‌دهنده این شاخص با کارایی نظام بازار بسیار مرتبط‌اند؛ بنابراین می‌توان از آنها در ساخت شاخص کارایی نظام بازار استفاده کرد: نظارت و کنترل بر اعتبارات بانکی، بازار نیروی انسانی و کسب و کار از جمله این عناصر هستند. با کمک این متغیرها می‌توان کارکرد بازار را در کشورهای مختلف از نظر آزادی عمل، رقابت و کارایی مورد اندازه‌گیری قرار داد. با این بررسی می‌توان اثر محدودیت‌های مقرراتی و مراحل دیوانسالاری را بر رقابت و عملکرد بازار مورد شناسایی قرار داد.

۱. این ادعان وجود دارد که برخی از کشورها ممکن است دارای بدهی خارجی باشند؛ اما نمی‌توان الزاماً آن را به اتخاذ سیاست‌های ضعیف آن‌ها نسبت داد بلکه حضور فعال در فعالیتهای مالی بین‌المللی و در سطح بسیار پیشرفته می‌تواند این عواقب را به بار آورد؛ بنابراین، ضعف در استفاده از مؤلفه بدهی خارجی وجود دارد. به هر حال با لحاظ نمودن سایر متغیرهای مرتبط با کارایی نظام بازار (بنگاه‌های اقتصادی) و حکمرانی این ضعف تا اندازه‌ای جبران می‌شود. این متغیرها به دو صورت عمل خواهند کرد یا اثرات بدهی خارجی را (در صورت وجود سیاست‌های ضعیف) تشدید می‌کنند یا در جهت مقابله با شوک‌ها مؤثر واقع می‌شوند.

از این شاخص برای ارزیابی چند ویژگی بازار مالی نیز استفاده می‌شود: ۱- میزان سیطره بنگاه‌های خصوصی در صنعت بانکداری؛ ۲- اجازه فعالیت بانک‌های خارجی در بازار؛ ۳- میزان اعتبارات بانکی که به بخش خصوصی اعطا می‌شود؛ و ۴- میزان تداخل سیاست کنترل نرخ‌های بهره با عملیات بازار اعتبارات. هر یک از موارد بالا درجه‌ای از دخالت دولت را در بازار مالی نشان می‌دهد. این دخالت‌ها می‌تواند مانع کارکرد آزاد و انعطاف‌پذیر اهرم‌های اقتصاد در مواجهه با شوک خارجی شود.

ملاحظات مشابه موارد فوق را می‌توان در مورد بازار نیروی انسانی نیز جستجو کرد. دخالت دولت در بازار نیروی انسانی در ارتباط با موارد زیر صورت می‌گیرد: تعیین مزایای بسیار بالا و غیرموجه برای بیمه بیکاری (بنابراین می‌تواند موجب کاهش انگیزه برای کار و اشتغال نیروی بیکار شود)؛ مقررات ناظر بر اخراج نیروی کار؛ تحمیل حداقل دستمزد؛ تعیین حقوق و دستمزد به صورت دستوری و متمرکز؛ اعمال شرایط و مقررات اتحادیه‌های کارگری بر بازارهای کار غیراتحادیه‌ای و نیروهای سرباز در نظام وظیفه کشور. تمام این موارد می‌تواند مانع توسعه بازار کار و تلاش شود و در نتیجه بر توانمندی و بنیه اقتصاد مقاومتی کشور در مواجهه با شوک خارجی اثر معکوس بگذارد. از نظر کارایی نظام بازار، کشوری دارای رتبه بالا خواهد بود که اجازه دهد دستمزدها و شرایط اخراج نیروی کار از طریق سازوکار آزاد نیروهای بازار تعیین شود، از بیکاری گسترده نیروی کار جلوگیری نماید و از طریق نظام وظیفه با وضع مقررات سربازی در بازار کار نیروی انسانی دخالت نکند.

کنترل بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی از طریق وضع مقررات دست و پاگیر و دیوانسالاری اداری به عنوان یک مانع در کارایی بازار شناخته می‌شود. از این رو لحاظ عنصر کارایی بازار به عنوان یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، برای شناسایی میزان محدودیت‌هایی است که مقررات دست و پاگیر بر سر راه رقابت و عملیات بازار ایجاد می‌کند. وقتی مقررات دست و پاگیر و دیوانسالاری اداری، ورود فعالان را به بازار کسب و کار مشکل یا کند می‌کند و هزینه تولید را افزایش می‌دهد، قیمت‌ها بر اساس قواعد و نیروی‌های بازار تعیین نمی‌شوند و دولت‌ها از قدرت خود استفاده کرده و به هزینه سایر بنگاه‌ها یک سری پرداخت‌ها را به صورت پاداش یا کمک به برخی از بنگاه‌های دیگر انجام می‌دهند، بنابراین انگیزه مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی را کم می‌کند و در نتیجه از آزادی عمل بنگاه‌ها در بازار می‌کاهد و در نهایت، خاصیت ضربه یا شوک‌گیری بازار را تضعیف می‌نماید.

جدول ۳ (پیوست) رتبه کشورها را از نظر شاخص کارایی بازار نشان می‌دهد. کشورهای کوچک آسیب‌پذیر از نظر این شاخص در جایگاه خوبی قرار دارند و این بیانگر آن است که نسبت به بقیه کشورها، سیاست‌های متفاوت‌تری را از نظر ملاحظات کارایی به مفهوم اقتصاد خرد و بنگاهداری^۱ به کار گرفته‌اند.

۱. برخی اقتصاددانان تلاش کرده‌اند با ارزیابی میزان کنترلی که کشورها از طریق نرخ ارز و کنترل‌های مالی در مدیریت اقتصادی اعمال می‌کنند، به تعداد مؤلفه کارایی اقتصاد خرد (که در شاخص اقتصاد مقاومتی استفاده می‌شود) بیفزایند. استدلال آنها این است که کشورهایی که کنترلی بر بازار سرمایه اعمال می‌کنند احتمالاً از یک بازار مالی کارا برخوردار نیستند. به تبع این نقیصه سیاستی و به دلیل وجود پیوند قوی بین بازارهای مالی و کل اقتصاد، عدم کارایی در بازار مالی به نوبه خود در سایر بخش‌های اقتصاد انعکاس می‌یابد. در این استدلال از تحلیل‌های گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول استفاده شده است.

The IMF Annual Report on Exchange Arrangements and Exchange Restrictions (2006)

۴-۴-۱- حکمرانی خوب

حکمرانی خوب برای هر نظام اقتصادی که قرار است به درستی عمل کند و نسبت به شوک‌های خارجی مقاوم و انعطاف‌پذیر باشد، بسیار لازم و ضروری است. موضوع حکمرانی به مسائلی مانند حاکمیت قانون و احترام به حقوق مالکیت مربوط می‌شود. اگر یک چنین نظامی به خوبی در اقتصاد استقرار نیافته باشد، شوک‌های منفی که از ناحیه خارج وارد اقتصاد می‌شوند می‌توانند به راحتی نابسامانی اقتصادی، هرج و مرج و ناآرامی را در جامعه دامن زنند؛ بنابراین در چنین فضایی اثرات آسیب‌پذیری اقتصاد بسیار تشدید می‌شود. از طرف دیگر، حکمرانی خوب می‌تواند موجب تقویت بنیه اقتصاد مقاومتی، انعطاف‌پذیری و ماندگاری آن گردد.

در شاخص جهانی آزادی اقتصادی، متغیری گنجانیده شده است که ناظر بر جنبه‌های قانونی و امنیت حقوق مالکیت^۱ است؛ بنابراین در خصوص حکمرانی خوب می‌توان گفت که این یک شاخص بسیار مفید و مناسب است. این شاخص شامل پنج عنصر فرعی است: ۱- استقلال قضایی؛ ۲- بی‌طرفی دادگاه‌ها؛ ۳- حمایت از حقوق مالکیت معنوی؛ ۴- دخالت نظامی در اجرای قانون؛ و ۵- نظام سیاسی و انسجام نظام قانونی.

رتبه کشورها از نظر این شاخص در جدول ۳ (پیوست) ارائه شده است. بالاترین رتبه حکمرانی خوب متعلق به کشورهایی است که به لحاظ اقتصادی توسعه یافته و پیشرفته هستند، از این رو پنج کشور اول در حکمرانی را اقتصادهای صنعتی تشکیل می‌دهند. سنگاپور از نظر حکمرانی رتبه پانزدهم را احراز کرده است. رتبه اقتصادهای آسیب‌پذیر به سمت پایین‌تر متمایل است؛ با وجود این، از تولید ناخالص سرانه بالاتری برخوردارند و به سمت نظام‌های حکمرانی بهتر در حال تحول هستند.

۴-۴-۲- توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی یکی دیگر از عناصر تشکیل‌دهنده شاخص مقاومت و انعطاف‌پذیری اقتصادی است. این عامل معرف درجه توسعه یافتگی روابط درونی جامعه است. وقتی روابط درونی جامعه توسعه یافته باشد، عوامل اقتصادی در نظام اجتماعی بدون مواجهه با ناآرامی و آشوب شهروندان، کارکرد مؤثری خواهند داشت. توسعه اجتماعی می‌تواند معرف گفتمان‌های مؤثر اجتماعی باشد که در عرصه اقتصاد نمود و ظهور پیدا می‌کند. این مسئله به نوبه خود تشریک مساعی در اتخاذ رویکردهای همسو را در جامعه برای مقابله با شوک‌های مخرب خارجی تقویت می‌کند.

توسعه اجتماعی در هر کشور را می‌توان به راه‌های مختلف اندازه‌گیری کرد. متغیرهای مرتبط با درآمد مانند پراکندگی و میزان جمعیت فقیر، نرخ درازمدت بیکاری (که معرف نسبت جمعیت دارای مهارت‌های کم و نبود فرصت کاری

۱. شاخص مشابه و جایگزین حکمرانی خوب توسط بانک جهانی نیز تهیه شده است. اجرای آزمون همبستگی پیرسن بر روی مؤلفه‌های حکمرانی بانک جهانی و همچنین مؤلفه‌های ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت مندرج در شاخص جهانی آزادی اقتصادی، آماره ۰,۹۲ را تولید می‌کند؛ بنابراین هر دو شاخص عملاً یک پدیده مشابه را اندازه‌گیری می‌کنند. در واقع، وقتی شاخص کافمن بانک جهانی برای تدوین شاخص اقتصاد مقاومتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، رتبه کشورها تنها اندکی تغییر می‌کند.

برای آنها است) و نسبت جمعیت دارای سطح آموزش پایین را می‌توان از زمره متغیرهای مفید برای این امر در نظر گرفت. روش دیگر برای نشان دادن توسعه اجتماعی، اندازه‌گیری موارد ناآرامی مدنی یا صنعتی است. این روش‌ها هرچند ممکن است مفید به نظر برسند؛ اما به لحاظ نگرش محدود به مسئله و اجرای آن در تمام کشورها، دارای اشکال هستند.

متغیرهای اجتماعی شاخص اقتصاد مقاومتی شامل مؤلفه‌های آموزش و بهداشت نیز است که توسط برنامه توسعه سازمان ملل در قالب شاخص توسعه انسانی معرفی شده است.

آموزش: توسعه آموزش که برحسب نرخ با سواد بزرگسالان و نرخ ثبت نام دانش‌آموزان در مدارس اندازه‌گیری می‌شود به عنوان یک مؤلفه خوب توسعه اجتماعی پذیرفته شده است. به‌علاوه، ارتقای سطح استانداردهای آموزشی خود می‌تواند معرف بهبود سطح توانمندی جامعه باشد و در کنار دیگر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در مواجهه با شوک‌های خارجی مفید و مؤثر واقع شود.

بهداشت: انتظار عمر در بدو تولد به عنوان یکی از متغیرهای مناسب برای اندازه‌گیری جنبه‌های بهداشتی یک جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مؤلفه به نوبه خود به تجهیزات درمانی، امکانات برای بستری شدن و میزان حوادث یا صدمات تهدیدی برای بیمار مرتبط می‌شود؛ بنابراین پیشرفت جامعه از نظر استانداردهای بهداشتی می‌تواند موجب تقویت بنیان‌های اقتصاد مقاومتی گردد.

آمارهای مربوطه به این مؤلفه و رتبه کشورها را می‌توان مانند موارد قبلی در جدول ۳ (پیوست) مشاهده کرد. کشورهای کوچک جزیره‌ای در حال توسعه را می‌توان در دامنه وسیعی از نظر اجزای این شاخص مشاهده کرد. بنابراین مشاهده می‌شود که کشورهایی که دارای تولید ناخالص سرانه بالا هستند از نظر شاخص مذکور نیز در رتبه بالایی قرار دارند.

۴-۵- رابطه همبستگی بین مؤلفه‌های شاخص اقتصاد مقاومتی

بین اجزای شاخص اقتصاد مقاومتی که در بالا به شرح آنها پرداخته شد، یک رابطه مثبت وجود دارد که جدول ۱ آن را به تصویر می‌کشد.

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین اجزای شاخص اقتصاد مقاومتی

توسعه اجتماعی	حکمرانی خوب	کارایی نظام بازار	ثبات کلان اقتصاد	
			۱,۰۰	ثبات کلان اقتصاد
		۱,۰۰	۰,۱۷	کارایی نظام بازار
	۱,۰۰	۰,۶۸	۰,۲۹	حکمرانی خوب
۱,۰۰	۰,۶۷	۰,۴۰	۰,۲۲	توسعه اجتماعی

بالاترین همبستگی را می‌توان بین حکمرانی خوب و توسعه اجتماعی و بین حکمرانی خوب و کارایی نظام بازار مشاهده کرد.

با توجه به یافته‌های جدول ۱ این پرسش پیش می‌آید که آیا حکمرانی خوب جزء زائد یا اضافی این شاخص است یا نه؟ در جواب باید گفت اگر فرض کنیم که رابطه حکمرانی با کارایی نظام بازار و توسعه اجتماعی به‌طور غیرطبیعی بالا نباشد، در این صورت آن را باید جزء مؤلفه‌های مهم شاخص توسعه اجتماعی حفظ کرد.

۴-۶- سایر مؤلفه‌های تعیین‌کننده و اثرگذار بر اقتصاد مقاومتی

بسیاری از عوامل دیگر علاوه بر مواردی که در بالا به آنها اشاره شد، در ماهیت اقتصاد مقاومتی اثرگذار هستند. به عنوان مثال، مدیریت محیط‌زیست یکی از این عوامل است؛ بنابراین در نظر گرفتن اثرات محیط‌زیست در ارزیابی اقتصاد مقاومتی بسیار مفید خواهد بود. محیط‌زیست می‌تواند یکی از سرمنشأهای مهم آسیب‌پذیری باشد و شوک‌های مخربی از این محل متوجه اقتصاد کشور شود. حوادث سریع مانند زلزله و سیل از زمره شوک‌های محیط‌زیستی هستند که تبعات منفی گسترده‌ای بر سطح اقتصاد و جامعه بر جا می‌گذارند.

تلاش‌هایی که در ارتباط با ساخت شاخص محیط‌زیست پایدار صورت گرفته قابل تحسین است. با وجود این، داده‌های آماری محیط‌زیست برای بسیاری از کشورهای مختلف (از نظر اندازه و وسعت) به راحتی قابل حصول نیست. اگر بخواهیم شاخص اقتصاد مقاومتی را با در نظر گرفتن ملاحظات محیط‌زیست داشته باشیم در این صورت تعداد معدودی از کشورها در شمول این شاخص قرار می‌گیرند. به‌علاوه با لحاظ شاخص مدیریت محیط‌زیست در شاخص اقتصاد مقاومتی این امکان نیز وجود دارد که بدون اینکه اطلاعات اضافی به شاخص اضافه شود تنها بر تعداد متغیرهایی که همبستگی بین آنها بسیار زیاد است، افزوده شود و این مسئله فرایند ساخت شاخص را بی‌جهت پیچیده می‌کند. از طرف دیگر این احتمال قوی وجود دارد که متغیرهای محیط‌زیست با سایر متغیرهای اقتصاد مقاومتی (که در بالا اشاره شد) از نظر اجتماعی-اقتصادی همبستگی بسیار بالایی داشته باشند. البته این ادعا را باید با احتیاط عنوان کرد، زیرا در نبود اطلاعات کافی نمی‌توان این احتمال را مورد آزمون قرار داد.

۴-۷- محاسبه شاخص ترکیبی برای اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی

با توجه به آمار و اطلاعات در این نوشتار تنها به چهار عنصر؛ یعنی ثبات کلان اقتصادی، کارایی اقتصاد نظام بازار، حکمرانی خوب و توسعه اجتماعی در ساخت شاخص اقتصاد مقاومتی اکتفا شده است. با استانداردسازی مقادیر مشاهدات آماری مربوط به متغیرهای شاخص، برای ۸۶ کشور شاخص اقتصاد مقاومتی محاسبه گردیده است که مقادیر آن بین صفر تا یک تغییر می‌کند. از رابطه زیر برای استانداردسازی استفاده شده است.

$$XS_{ij} = (X_{ij} - \text{Min}X_j) / (\text{Max}X_j - \text{Min}X_j) \quad j = 1, 2, \dots, 4; \quad i = 1, 2, \dots, 86.$$

که در آن:

مقدار استاندارد شده عنصر مشاهده شده J برای کشور $I = X_{sij}$

مقدار واقعی همان عنصر مشاهده شده $X_{ij} =$

مقادیر کمینه و بیشینه برای همان عنصر J مشاهده شده $MaxX_j, MinX_j =$

۴-۸- نتایج حاصله از شاخص ترکیبی تاب‌آوری اقتصادی

میانگین چهار مؤلفه شاخص تاب‌آوری اقتصادی (اقتصاد مقاومتی) در جدول ۳ (پیوست) ارائه شده است. ارقام به دست آمده نشان می‌دهد که اکثر کشورهای کوچک جزیره‌ای در شمول این جدول قرار می‌گیرند. کشورهایمانند باربادوس، مالت و قبرس دارای شاخص نسبتاً بالایی هستند. دیگر کشورهای کوچک که دارای شاخص نسبتاً بالایی هستند عبارتند از ایسلند، هنگ‌کنگ، اسلوانی و استونی. داده‌های آماری برای کشورهای کوچک جزیره‌ای که مقدار شاخص اقتصاد مقاومتی آنها در سطح پایینی است تنها برای دو کشور موجود بوده و این دو کشور عبارتند از جامائیکا و گینه نو. بنابراین با توجه به کمبود آمار نمی‌توان عملکرد گروه کشورها را از نظر شاخص مقاومتی با هم مقایسه کرد. با این حال به نظر می‌رسد که بدترین عملکرد از نظر ساخت بنیان اقتصاد مقاومتی مربوط به تعدادی از کشورهای بزرگ آفریقایی، آسیایی و آمریکای جنوبی است.

۵- بررسی تولید ناخالص سرانه کشورها بر اساس شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و آسیب‌پذیری

این پرسش مطرح است که چه اندازه شاخص مقاومت اقتصادی و آسیب‌پذیری بر تولید ناخالص داخلی سرانه تأثیرگذار است که می‌توان آن را از طریق انجام یک مطالعه رگرسیونی جواب داد. اگر تولید ناخالص داخلی را تابعی از شاخص آسیب‌پذیری و شاخص اقتصاد مقاومتی بدانیم، نتایج این رابطه را می‌توان در جدول ۲ مشاهده کرد.

در جدول ۲ متغیر G معرف تولید ناخالص داخلی، R معرف شاخص اقتصاد مقاومتی و V معرف شاخص آسیب‌پذیری است. مقادیر تمام این متغیرها که به صورت استاندارد درآمده است، بین صفر و یک قرار می‌گیرد.

جدول ۲: نتایج رگرسیون تولید ناخالص داخلی

$G = 0.14 + 0.95R - 0.14V$
t statistics (3.5) (17.2) (2.4)
86 = تعداد مشاهده‌ها
$R^2 = 0.78$

نتایج به دست آمده در جدول ۲، فرضیه بریگوگلیو و کوردینا را در این خصوص تأیید می‌کند و آن این است که عملکرد کشورها بستگی به آسیب‌پذیری ذاتی و بنیه مقاومت اقتصادی آنها دارد. علاوه بر این، یافته بالا مؤید این است که شاخص اقتصاد مقاومتی همبستگی بسیار بالایی با تولید ناخالص سرانه دارد، به طوری که کشورهای بالاترین تولید ناخالص سرانه را دارند، دارای بالاترین رتبه از نظر شاخص اقتصاد مقاومتی^۱ نیز هستند. این یک یافته فوق‌العاده‌ای محسوب نمی‌شود، زیرا تنها یک فرضیه معقول را توضیح می‌دهد. با این حال نتایج رگرسیونی دارای پیام‌های جالبی است، به خصوص اینکه نشان می‌دهد وضعیت اقتصادی کشورها بیشتر به سیاست‌های آگاهانه و عامدانه دولتمردان بستگی دارد تا به آسیب‌پذیری‌های ذاتی اقتصادی. همچنین نتایج مؤید این است که با بهره‌گیری از سیاست‌های مناسب و لازم می‌توان بر مصائب ناشی از آسیب‌پذیری فائق آمد.

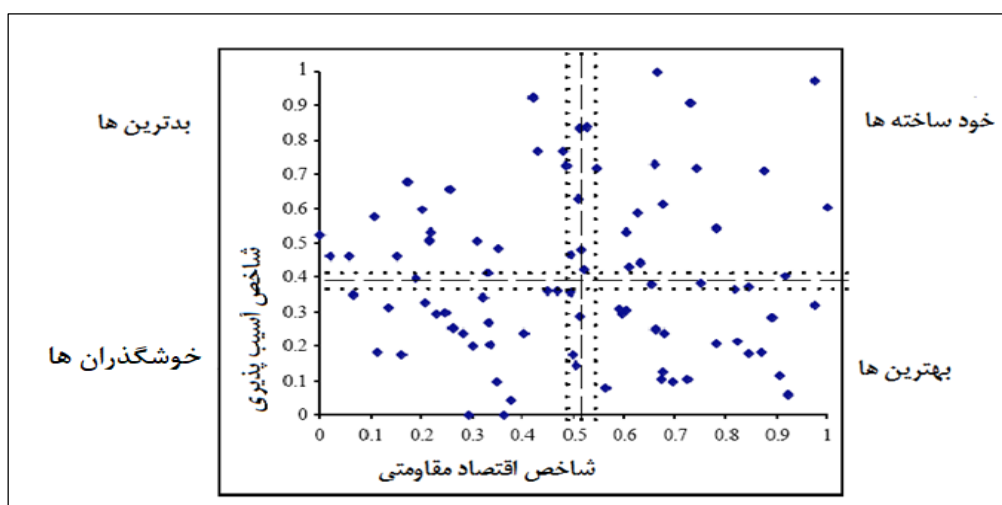
۵-۱- ترسیم وضعیت کشورها بر اساس شاخص آسیب‌پذیری و اقتصاد مقاومتی

وضعیت کشورها از نظر ملاحظات اقتصاد مقاومتی و آسیب‌پذیری در چهار حالت بهترین‌ها، خودساخته‌ها، خوشگذران‌ها و بدترین‌ها را در بخش‌های قبلی مورد بررسی قرار دادیم. اکنون بر اساس امتیازاتی که کشورها در شاخص ترکیبی به دست آورده‌اند می‌توان آنها را در قالب چهار حالت فوق در نمودار ۳ نشان داد. یادآوری این نکته

۱. رابطه بین تولید ناخالص سرانه و شاخص اقتصاد مقاومتی (حذف متغیر آسیب‌پذیری) را نشان می‌دهد که ضریب همبستگی آنها بالا است (0.77- R^2) و آماره (۱۶،۷-t). به هر حال با ورود متغیر آسیب‌پذیری در معادله فوق، ضریب همبستگی بالاتر می‌رود و آماره t متغیر اقتصاد مقاومتی افزایش می‌یابد.

لازم است که خط تفکیک بین چهار منطقه‌ای که کشورها در آن قرار می‌گیرند بر اساس متوسط مقادیر آسیب‌پذیری و اقتصاد مقاومتی جمع کشورها محاسبه شده است.

پراکندگی کشورها در قالب نمودار ۳، حالت سلیقه‌ای دارد. به این معنا که اگر خط تفکیک چهار منطقه را به گونه‌ای دیگر تعریف کنیم، نوع پراکندگی کشورها متفاوت خواهد بود. در نتیجه خط مرزی این مناطق با ± 5 درصد میانگین دو شاخص اقتصاد مقاومتی و آسیب‌پذیری در نظر گرفته شده است. خطوط نقطه‌چین حاشیه ± 5 درصد را نشان می‌دهد؛ بنابراین کشورهایی که بین این خطوط نقطه‌چین قرار می‌گیرند از نظر ملاحظات چهارگانه به عنوان کشورهای حد مرزی تلقی می‌شوند.



نمودار ۳: پراکندگی کشورها از نظر میانگین شاخص اقتصاد مقاومتی و آسیب‌پذیری

جدول ۴ (پیوست) پراکندگی کشورها را در قالب چهار حالت یاد شده نشان می‌دهد. با نگاه به این جدول می‌توان به جمع‌بندی زیر رسید:

- کشورهایی که در مکان **بهترین‌ها** قرار می‌گیرند عمدتاً کشورهای بزرگ توسعه یافته هستند.
- کشورهایی که در مکان **خودساخته‌ها** قرار می‌گیرند شامل تعدادی از کشورهای کوچک هستند که رتبه آسیب‌پذیری آنها بالا است.
- کشورهایی که در مکان **خوشگذران‌ها** قرار می‌گیرند عمدتاً شامل کشورهای بزرگ جهان سوم هستند.
- کشورهایی که در مکان **بدترین‌ها** قرار می‌گیرند، تعداد اندکی از کشورهای کوچک آسیب‌پذیر را نیز در بر می‌گیرد که عملکرد اقتصادی ضعیفی دارند.

۶- موارد استفاده از شاخص اقتصاد مقاومتی

از شاخص اقتصاد مقاومتی می‌توان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به‌ویژه در تعیین خط‌مشی‌ها و تعیین اولویت‌های سیاستی دولت در امر تقویت بنیه اقتصادی کشور استفاده کرد. این شاخص به‌طور خاص در موارد زیر می‌تواند مفید واقع شود:

- انتشار اطلاعات و جلب توجه مسئولان در ساخت بنیه اقتصاد مقاومتی
- هدایت مباحث اقتصاد مقاومتی به سمت محورها و مسائل اساسی
- کمک به شکل‌گیری اقدام سنجیده و منسجم دولت در راستای اقتصاد مقاومتی

۶-۱- انتشار اطلاعات

اساساً یکی از خصوصیات هر شاخص این است که توجه خواننده را به سمت مسائل اساسی جلب می‌کند. از این رو، ممارست در ساخت و محاسبه شاخص اقتصاد مقاومتی به خودی خود تصمیم‌گیران و ذینفعان را نسبت به عوامل مؤثر در تقویت بنیه اقتصاد مقاومتی حساس می‌کند. تلاش در ساخت شاخص اقتصاد مقاومتی می‌تواند تبدیل به یک بحث دانشگاهی شود و موجب ارتقای سطح آگاهی دانشگاهیان و افراد درگیر با مقوله اقتصاد مقاومتی گردد.

از شاخص اقتصاد مقاومتی نیز می‌توان برای برجسته‌نشان دادن اهمیت برخی از سیاست‌ها در تقویت بنیه اقتصاد مقاومتی استفاده کرد. در این رابطه، نقش ارتباطی و اطلاع‌رسانی شاخص برای ذینفعان بسیار حائز اهمیت است، زیرا تلاش‌های موفق یا ناموفق در تقویت بنیه اقتصاد مقاومتی از طریق این شاخص برای همه آشکار می‌شود.

۶-۲- هدایت مباحث اقتصاد مقاومتی به سمت محورها و مسائل اساسی

شاخص‌ها می‌توانند به عنوان زبان مشترک در مباحث اقتصادی نقش ایفا کنند. غالباً دیده می‌شود که گروه‌ها و یا جناح‌های سیاسی در مباحث و مناظرات اقتصادی مورد اختلاف با هم درگیر می‌شوند. علت آن نبود تعاریف یکسان و مشترک بین آنها از موضوع مورد بحث است. کمی کردن اجزای تشکیل‌دهنده شاخص‌ها مسئله بسیار مهمی است که لازمه آن، داشتن تعاریف دقیق از آنها است. از این رو وجود شاخص به ما کمک می‌کند تا مباحث مستقیماً حول مسائل اصلی ذی‌ربط دنبال شود.

۶-۳- کمک به شکل‌گیری یک ایده و اقدام سنجیده و منسجم

اگرچه شاخص ترکیبی در اندازه‌گیری مسئله یا پدیده مورد نظر (اقتصاد مقاومتی) در نهایت یک عدد یا رقم را ارائه می‌کند، اما همین یک رقم چکیده واقعیت‌ها را رقم می‌زند؛ بنابراین شاخص مورد بحث پیامی را ارسال می‌کند که برآیند چند عامل است نه یک عامل. این ویژگی شاخص نیز به نوبه خود شناخت ما را نسبت به اهمیت به هم تنیدگی اجزای یک شاخص بیشتر می‌کند. به عنوان مثال، اگر سیاستگذاری در زمینه اقتصاد مقاومتی روی یک جزء این

شاخص متمرکز شود و نسبت به سایر اجزای بی‌توجه باشد، نه تنها نتیجه مورد نظر حاصل نخواهد شد بلکه ممکن است نتیجه معکوس به بار آید؛ بنابراین، برای ارتقای سطح شاخص اقتصاد مقاومتی (مطابق تعریف این گزارش) لازم است در تحکیم بنیه آن از تمام سیاست‌های مرتبط با اجزای شاخص و اقدامات چندجانبه همسو با سیاست‌ها استفاده شود.

۷- جمع‌بندی

در این گزارش با جنبه‌های مفهومی و روش‌شناختی موضوع اقتصاد مقاومتی و راه‌های اندازه‌گیری آن آشنا شدیم. شاخصی که در این ارتباط معرفی شد در واقع بر چهار جنبه اقتصاد مقاومتی توجه داشته است که عبارتند از: ثبات کلان اقتصادی، کارایی نظام بازار (بنگاه‌های اقتصادی)، حکمرانی خوب و توسعه اجتماعی. سنجش میزان کفایت و مناسب بودن سیاست‌های دولت در جذب یا خنثی کردن اثرات شوک اقتصادی را می‌توان بر مبنای چهار جزء این شاخص و سیاست‌های مرتبط با آن مورد ارزیابی قرار داد.

نتایج این بررسی تحقیقی را می‌توان در تبیین و توضیح برخی از پدیده‌ها مورد استفاده قرار داد. برای مثال، چرا برخی از کشورها به‌رغم ساختار آسیب‌پذیری ذاتی توانسته‌اند از نظر سرانه تولید ناخالص داخلی در سطح بالایی قرار گیرند؟ دو نوع استدلال برای این حالت معمولاً ارائه می‌شود. توفیق در عملکرد اقتصادی این گروه از کشورها در مواجهه با شوک‌های بیرونی ممکن است به دلیل تلاش و برخورداری از بنیه اقتصاد مقاومتی و تقویت توان مقابله با خطرات بوده باشد. عکس این حالت نیز صادق است؛ یعنی اقتصادی که به اندازه کافی در مقابله با تهدیدها و شوک‌ها خود را مقاوم‌سازی نکرده باشد به احتمال زیاد در مواجهه با شوک‌های بیرونی آسیب‌پذیر می‌گردد و شکست می‌خورد. با استفاده از یافته‌های این مطالعه می‌توان سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را مورد بازنگری قرار داد و نسبت به ارتقای شاخص اقتصاد مقاومتی راهکارهای مؤثرتر را بررسی کرد.

جدول ۳: آمار شاخص اقتصاد مقاومتی برحسب متغیرهای شاخص و رتبه کشورها

رتبه کشور	شاخص اقتصاد مقاومتی ^۵	انسجام اجتماعی ^۴	حکمرانی خوب ^۲	کارایی در سطح نگاه‌های اقتصادی ^۲	ثبات کلان اقتصادی ^۱	کشور	ردیف
۶۲	۰.۴۵۳	۰.۷۶۵	۰.۴۱۱	۰.۳۸۷	۰.۲۵۰	آلبانی	۱
۵۸	۰.۴۷۲	۰.۸۶۸	۰.۲۲۷	۰.۲۵۹	۰.۵۳۴	آرژانتین	۲
۹	۰.۸۰۸	۰.۹۸۸	۰.۹۷۱	۰.۸۰۰	۰.۴۷۲	استرالیا	۳
۱۲	۰.۷۷۷	۰.۹۵۶	۰.۹۲۸	۰.۵۳۱	۰.۶۹۳	اتریش	۴
۸۰	۰.۳۳۴	۰.۲۲۳	۰.۱۷۴	۰.۳۰۵	۰.۶۳۵	بنگلادش	۵
۱۷	۰.۷۲۴	۰.۹۱۵	۰.۷۲۲	۰.۶۲۷	۰.۶۳۲	باربادوس	۶
۱۶	۰.۷۲۹	۰.۹۸۲	۰.۸۰۰	۰.۴۷۴	۰.۶۶۱	بلژیک	۷
۴۹	۰.۵۵۴	۰.۷۵۴	۰.۶۰۷	۰.۶۷۱	۰.۱۸۶	بلیز	۸
۶۹	۰.۴۰۵	۰.۶۱۹	۰.۱۷۴	۰.۳۶۰	۰.۴۶۸	بولیوی	۹
۶۵	۰.۴۳۶	۰.۷۲۱	۰.۴۲۳	۰.۲۱۰	۰.۳۸۸	برزیل	۱۰
۷۶	۰.۳۶۸	۰.۲۳۲	۰.۳۴۴	۰.۴۵۱	۰.۴۴۳	کامرون	۱۱
۶	۰.۸۲۹	۰.۹۷۷	۰.۹۱۰	۰.۷۹۸	۰.۶۳۳	کانادا	۱۲
۲۸	۰.۶۶۷	۰.۸۵۹	۰.۶۱۱	۰.۵۶۲	۰.۶۳۶	شیلی	۱۳
۵۶	۰.۴۸۰	۰.۷۰۴	۰.۴۶۸	۰.۰۹۵	۰.۶۵۳	چین	۱۴
۶۷	۰.۴۱۶	۰.۷۵۴	۰.۲۲۰	۰.۲۷۳	۰.۴۱۷	کلمبیا	۱۵
۳۱	۰.۶۳۹	۰.۸۵۳	۰.۶۲۳	۰.۴۷۰	۰.۶۰۹	کاستاریکا	۱۶
۸۶	۰.۲۴۶	۰.۰۰۰	۰.۲۳۷	۰.۳۲۷	۰.۴۲۲	ساحل عاج	۱۷
۴۰	۰.۵۷۹	۰.۸۲۴	۰.۴۵۱	۰.۵۱۶	۰.۵۲۴	کرواسی	۱۸
۳۸	۰.۵۸۵	۰.۸۸۶	۰.۶۸۷	۰.۴۰۷	۰.۳۶۰	قبرس	۱۹
۳۵	۰.۶۲۶	۰.۸۵۶	۰.۶۳۱	۰.۴۴۴	۰.۵۷۱	جمهوری چک	۲۰
۵	۰.۸۳۶	۰.۹۴۴	۱.۰۰۰	۰.۶۸۲	۰.۷۱۶	دانمارک	۲۱
۵۲	۰.۵۲۱	۰.۶۵۴	۰.۳۰۵	۰.۴۷۰	۰.۶۵۷	جمهوری دومینیکن	۲۲
۶۸	۰.۴۱۲	۰.۵۰۴	۰.۴۰۳	۰.۱۵۱	۰.۵۸۸	مصر	۲۳
۵۱	۰.۵۳۴	۰.۶۴۵	۰.۳۵۱	۰.۴۸۵	۰.۶۵۵	السالوادور	۲۴
۱۸	۰.۷۱۶	۰.۸۵۰	۰.۶۷۳	۰.۷۰۵	۰.۶۳۵	استونی	۲۵
۷	۰.۸۱۹	۰.۹۷۱	۰.۹۹۷	۰.۶۷۱	۰.۶۳۸	فنلاند	۲۶
۲۳	۰.۶۸۱	۰.۹۶۲	۰.۷۴۴	۰.۵۲۶	۰.۴۹۴	فرانسه	۲۷

۱. شاخص ثبات اقتصادی، از میانگین ساده سه متغیر: ۱- کسری مالی دولت برحسب تولید ناخالص داخلی؛ ۲- جمع دو نرخ تورم و بیکاری؛ و ۳- نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی محاسبه شده است. اطلاعات این محاسبات از آمار صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی گرفته شده است.
۲. شاخص کارایی اقتصاد خرد، برگرفته از مؤلفه آزادی اقتصادی است که در شاخص جهانی (Gwartney and Lawson, 2005) استفاده شده است. این مؤلفه مشتمل بر کنترل و نظارت بر اعتبارات، محدودیت‌های قانون کار و دیوانسالاری اداری و سازوکار سه بازار مالی، کار و محصول است.
۳. شاخص حکمرانی خوب مشتمل بر پنج جز است: ۱- استقلال قوه قضایی؛ ۲- بی‌طرفی دادگاه‌ها؛ ۳- حمایت از حقوق مالکیت معنوی؛ ۴- استفاده از نیروی نظامی در اجرای قانون؛ و ۵- نظام سیاسی و یکپارچگی نظام قانونی.
۴. شاخص توسعه اجتماعی، جمع شاخص‌های آموزش و بهداشت (مندرج در شاخص توسعه انسانی) است. شاخص آموزش برحسب نرخ با سواد بزرگسالان و نرخ ثبت نام در مدارس و شاخص بهداشت برحسب امید به زندگی در بدو تولد محاسبه شده است.
۵. شاخص اقتصاد مقاومتی، میانگین ساده چهار شاخص مندرج در چهار ستون اول جدول است.

رتبه کشور	شاخص اقتصاد مقاومتی ^۵	انسجام اجتماعی ^۴	حکمرانی خوب ^۲	کارایی در سطح بنگاه‌های اقتصادی ^۲	ثبات کلان اقتصادی ^۱	کشور	ردیف
۲۰	۰.۶۹۵	۰.۹۴۷	۰.۹۳۲	۰.۳۴۹	۰.۵۵۱	آلمان	۲۸
۷۱	۰.۳۸۹	۰.۵۸۴	۰.۱۵۷	۰.۳۸۸	۰.۴۲۵	هندوراس	۲۹
۸	۰.۸۱۱	۰.۸۶۵	۰.۷۳۱	۱.۰۰۰	۰.۶۵۰	چین	۳۰
۳۴	۰.۶۳۰	۰.۸۳۰	۰.۶۵۶	۰.۵۹۸	۰.۴۳۵	مجارستان	۳۱
۱	۰.۸۹۰	۰.۹۶۸	۰.۹۶۰	۰.۹۱۲	۰.۷۲۲	ایسلند	۳۲
۶۴	۰.۴۴۰	۰.۳۹۶	۰.۵۵۵	۰.۳۰۹	۰.۵۰۱	هند	۳۳
۷۸	۰.۳۵۰	۰.۶۳۳	۰.۲۸۵	۰.۰۶۰	۰.۴۲۰	اندونزی	۳۴
۶۳	۰.۴۴۵	۰.۶۳۰	۰.۵۵۵	۰.۰۰۰	۰.۵۹۵	ایران	۳۵
۱۱	۰.۷۹۰	۰.۹۲۷	۰.۸۵۵	۰.۶۳۲	۰.۷۴۸	ایرلند	۳۶
۲۹	۰.۶۵۲	۰.۹۳۳	۰.۷۳۰	۰.۳۴۸	۰.۵۹۹	رژیم صهیونیستی	۳۷
۳۶	۰.۶۱۰	۰.۹۳۰	۰.۶۶۹	۰.۲۷۷	۰.۵۶۴	ایتالیا	۳۸
۵۳	۰.۵۱۷	۰.۷۸۳	۰.۴۶۸	۰.۴۱۳	۰.۴۰۴	جامائیکا	۳۹
۲۴	۰.۶۸۱	۰.۹۷۴	۰.۷۴۵	۰.۵۳۰	۰.۴۷۳	ژاپن	۴۰
۴۸	۰.۵۵۸	۰.۷۲۷	۰.۶۳۷	۰.۴۸۰	۰.۳۸۸	اردن	۴۱
۷۳	۰.۳۸۵	۰.۲۹۹	۰.۲۸۳	۰.۴۷۱	۰.۴۸۹	کنیا	۴۲
۲۷	۰.۶۷۲	۰.۷۴۸	۰.۷۰۵	۰.۶۵۶	۰.۵۷۹	کویت	۴۳
۳۷	۰.۵۹۸	۰.۸۲۴	۰.۵۵۵	۰.۴۹۰	۰.۵۲۳	لتونی	۴۴
۴۶	۰.۵۶۴	۰.۸۴۸	۰.۴۷۱	۰.۳۹۱	۰.۵۴۸	لیتوانی	۴۵
۲۲	۰.۶۸۲	۰.۸۹۴	۰.۹۱۰	۰.۷۵۲	۰.۱۷۰	لوکزامبورگ	۴۶
۸۴	۰.۲۸۵	۰.۲۵۵	۰.۲۵۶	۰.۲۶۶	۰.۳۶۲	ماداگاسکار	۴۷
۳۰	۰.۶۴۹	۰.۷۴۸	۰.۶۲۵	۰.۴۹۳	۰.۷۳۲	مالزی	۴۸
۲۵	۰.۶۷۴	۰.۸۷۱	۰.۷۰۸	۰.۶۳۱	۰.۴۸۴	مالت	۴۹
۴۳	۰.۵۷۵	۰.۷۰۱	۰.۶۲۵	۰.۳۷۱	۰.۶۰۲	موریس	۵۰
۵۵	۰.۴۹۰	۰.۷۷۷	۰.۲۹۴	۰.۲۸۱	۰.۶۰۷	مکزیک	۵۱
۶۰	۰.۴۶۰	۰.۴۰۵	۰.۵۶۶	۰.۳۷۳	۰.۴۹۶	مراکش	۵۲
۷۴	۰.۳۸۰	۰.۲۶۱	۰.۳۱۰	۰.۴۵۸	۰.۴۹۲	نپال	۵۳
۱۳	۰.۷۷۲	۰.۹۷۹	۰.۹۷۱	۰.۶۵۶	۰.۴۸۳	هلند	۵۴
۲	۰.۸۷۴	۰.۹۷۴	۰.۹۵۱	۰.۸۸۲	۰.۶۹۰	نیوزیلند	۵۵
۸۲	۰.۳۱۶	۰.۵۶۶	۰.۱۸۷	۰.۴۸۶	۰.۰۲۴	نیکاراگوئه	۵۶
۷۷	۰.۳۵۸	۰.۲۳۲	۰.۲۱۹	۰.۵۰۹	۰.۴۷۲	نیجریه	۵۷
۱۴	۰.۷۵۰	۰.۹۸۲	۰.۹۱۰	۰.۵۵۰	۰.۵۵۷	نروژ	۵۸
۸۳	۰.۲۹۱	۰.۲۰۵	۰.۱۴۸	۰.۴۱۴	۰.۳۹۵	پاکستان	۵۹
۴۲	۰.۵۷۷	۰.۸۰۶	۰.۳۸۴	۰.۵۳۶	۰.۵۸۲	پاناما	۶۰
۷۲	۰.۳۸۶	۰.۲۹۰	۰.۳۱۰	۰.۴۳۴	۰.۵۰۹	پاپوآ گینه نو	۶۱
۷۰	۰.۳۹۵	۰.۷۳۰	۰.۱۰۶	۰.۱۶۴	۰.۵۷۸	پاراگوئه	۶۲
۵۴	۰.۵۰۶	۰.۷۳۹	۰.۳۱۶	۰.۴۰۱	۰.۵۶۸	پرو	۶۳
۵۷	۰.۴۷۴	۰.۷۷۱	۰.۲۸۵	۰.۳۸۸	۰.۴۵۱	فیلیپین	۶۴
۴۵	۰.۵۶۷	۰.۸۷۴	۰.۵۲۰	۰.۳۰۴	۰.۵۶۹	لهستان	۶۵
۲۱	۰.۶۸۴	۰.۹۱۵	۰.۷۶۸	۰.۴۵۸	۰.۵۹۵	پرتغال	۶۶
۵۹	۰.۴۶۳	۰.۷۶۵	۰.۴۰۹	۰.۲۹۰	۰.۳۸۸	رومانی	۶۷
۶۶	۰.۴۲۷	۰.۷۵۱	۰.۳۴۸	۰.۰۹۲	۰.۵۱۷	فدراسیون روسیه	۶۸

رتبه کشور	شاخص اقتصاد مقاومتی ^۵	انسجام اجتماعی ^۴	حکمرانی خوب ^۳	کارایی در سطح بنگاه‌های اقتصادی ^۲	ثبات کلان اقتصادی ^۱	کشور	ردیف
۸۵	۰.۲۶۰	۰.۰۶۷	۰.۳۴۲	۰.۲۲۵	۰.۴۰۳	سنگال	۶۹
۳	۰.۸۷۴	۰.۸۷۷	۰.۸۸۸	۰.۷۳۰	۱.۰۰۰	سنگاپور	۷۰
۴۷	۰.۵۶۴	۰.۸۳۰	۰.۵۳۶	۰.۴۴۶	۰.۴۴۶	جمهوری اسلواکی	۷۱
۳۳	۰.۶۳۴	۰.۹۰۳	۰.۶۶۴	۰.۳۰۸	۰.۶۶۰	اسلونی	۷۲
۴۴	۰.۵۷۱	۰.۴۴۶	۰.۶۶۴	۰.۶۰۰	۰.۵۷۶	آفریقای جنوبی	۷۳
۲۶	۰.۶۷۳	۰.۹۶۸	۰.۶۲۵	۰.۵۵۶	۰.۵۴۵	اسپانیا	۷۴
۶۱	۰.۴۵۸	۰.۷۵۱	۰.۳۵۶	۰.۴۰۷	۰.۳۱۸	سری‌لانکا	۷۵
۱۵	۰.۷۴۹	۱.۰۰۰	۰.۹۴۹	۰.۵۷۴	۰.۴۷۴	سوئد	۷۶
۱۰	۰.۷۹۱	۰.۹۵۰	۰.۹۱۲	۰.۷۴۴	۰.۵۵۷	سوئیس	۷۷
۵۰	۰.۵۴۷	۰.۷۳۳	۰.۵۸۲	۰.۴۷۳	۰.۳۹۹	تایلند	۷۸
۳۲	۰.۶۳۵	۰.۷۸۰	۰.۵۵۷	۰.۵۶۲	۰.۶۴۱	ترینیداد و توباگو	۷۹
۳۹	۰.۵۸۲	۰.۶۵۱	۰.۶۸۳	۰.۴۸۴	۰.۵۱۱	تونس	۸۰
۸۱	۰.۳۲۰	۰.۶۷۴	۰.۳۹۱	۰.۲۱۳	۰.۰۰۰	ترکیه	۸۱
۷۵	۰.۳۷۷	۰.۱۹۹	۰.۳۷۰	۰.۴۲۴	۰.۵۱۶	اوگاندا	۸۲
۱۹	۰.۷۱۴	۰.۹۷۱	۰.۹۷۷	۰.۸۴۴	۰.۰۶۲	انگلستان	۸۳
۴	۰.۸۳۹	۰.۹۴۴	۰.۸۶۰	۰.۹۰۷	۰.۶۴۶	ایالات متحده آمریکا	۸۴
۴۱	۰.۵۷۷	۰.۸۷۴	۰.۵۳۷	۰.۳۷۶	۰.۵۲۳	اروگوئه	۸۵
۷۹	۰.۳۴۵	۰.۷۷۷	۰.۰۰۰	۰.۰۹۱	۰.۵۱۱	ونزوئلا	۸۶

جدول ۴: جایگاه کشورها در وضعیت‌های چهارگانه

شاخص آسیب‌پذیری	شاخص اقتصاد مقاومتی	کشور	شاخص آسیب‌پذیری	شاخص اقتصاد مقاومتی	کشور	ردیف
بدترین‌ها		خودساخته‌ها				
۰.۷۶۸	۰.۴۷۸	بلیز ^۲	۰.۷۱۷	۰.۷۴۱	باربادوس	۱
۰.۵۲۴	۰.۰۰۰	ساحل عاج	۰.۴۳۶	۰.۶۰۹	کاستاریکا	۲
۰.۷۶۸	۰.۴۲۷	جمهوری دومینیکن	۰.۴۸۰	۰.۵۱۶	کرواسی ^۱	۳
۰.۶۵۸	۰.۲۵۷	مصر	۰.۸۴۰	۰.۵۲۶	قبرس	۴
۰.۵۳۴	۰.۲۲۱	هندوراس	۰.۹۰۸	۰.۷۲۹	استونی	۵
۰.۵۰۸	۰.۳۰۹	ایران	۰.۷۱۳	۰.۸۷۷	چین	۶
۰.۹۲۲	۰.۴۲۰	جامائیکا	۰.۶۰۷	۱.۰۰۰	ایسلند	۷
۰.۷۲۵	۰.۴۸۴	اردن ^۳	۰.۴۴۳	۰.۶۳۰	رژیم صهیونیستی	۸
۰.۵۱۱	۰.۲۱۶	کنیا	۰.۷۳۱	۰.۶۶۱	کویت	۹
۰.۴۶۶	۰.۴۹۴	لیتوانی ^۳	۰.۷۱۸	۰.۵۴۶	لتونی	۱۰
۰.۴۶۵	۰.۰۶۰	ماداگاسکار	۰.۶۱۵	۰.۶۷۶	لوکزامبورگ	۱۱
۰.۵۷۸	۰.۱۰۷	نیکاراگوئه	۰.۵۸۷	۰.۶۲۶	مالزی	۱۲
۰.۶۷۷	۰.۱۷۳	نیجریه	۱.۰۰۰	۰.۶۶۳	مالت	۱۳
۰.۵۰۸	۰.۲۱۶	پاپوا گینه‌نو	۰.۶۳۲	۰.۵۰۹	موریس ^۱	۱۴
۰.۴۸۵	۰.۳۵۳	فیلیپین	۰.۵۴۳	۰.۷۸۱	نروژ	۱۵
۰.۴۶۴	۰.۰۲۰	سنگال	۰.۸۳۷	۰.۵۱۴	پاناما ^۱	۱۶

ردیف	کشور	شاخص اقتصاد مقاومتی	شاخص آسیب‌پذیری	کشور	شاخص اقتصاد مقاومتی	شاخص آسیب‌پذیری
۱۷	سنگاپور	۰.۹۷۴	۰.۹۷۱	سری‌لانکا ^۴	۰.۳۲۸	۰.۴۱۵
۱۸	تونس ^۱	۰.۵۲۱	۰.۴۲۶	اوگاندا	۰.۲۰۳	۰.۵۹۷
۱۹	ترینیداد و توباگو	۰.۶۰۳	۰.۵۳۳	ونزوئلا	۰.۱۵۳	۰.۴۶۵
بهترین‌ها			خوشگذران‌ها			
۲۰	استرالیا	۰.۸۷۲	۰.۱۸۴	آلبانی	۰.۳۲۱	۰.۳۴۴
۲۱	بلژیک	۰.۸۲۴	۰.۲۱۶	آرژانتین	۰.۳۵۰	۰.۱۰۰
۲۲	کانادا	۰.۷۵۰	۰.۳۸۴	بنگلادش	۰.۱۳۶	۰.۳۱۳
۲۳	شیلی	۰.۹۰۵	۰.۱۱۷	بولیوی	۰.۲۴۷	۰.۲۹۹
۲۴	جمهوری چک	۰.۶۵۳	۰.۳۷۹	برزیل	۰.۲۹۴	۰.۰۰۱
۲۵	دانمارک ^۲	۰.۵۸۹	۰.۳۰۹	کامرون	۰.۱۸۸	۰.۳۹۷
۲۶	فنلاند	۰.۹۱۵	۰.۴۰۷	چین	۰.۳۶۳	۰.۰۰۰
۲۷	فرانسه	۰.۸۸۹	۰.۲۸۶	کلمبیا	۰.۲۶۳	۰.۲۵۴
۲۸	آلمان	۰.۶۷۵	۰.۱۲۹	السالوادور	۰.۴۴۷	۰.۳۶۲
۲۹	مجارستان	۰.۶۹۶	۰.۱۰۰	هند	۰.۳۰۱	۰.۲۰۱
۳۰	ایرلند	۰.۵۹۶	۰.۲۹۴	اندونزی	۰.۱۶۱	۰.۱۷۴
۳۱	ایتالیا	۰.۸۴۵	۰.۳۷۱	مکزیک	۰.۳۷۸	۰.۰۴۶
۳۲	ژاپن	۰.۵۶۴	۰.۰۸۲	مراکش	۰.۳۳۲	۰.۲۷۲
۳۳	هلند	۰.۶۷۴	۰.۱۰۶	نیپال	۰.۲۰۸	۰.۳۲۷
۳۴	نیوزیلند	۰.۸۱۷	۰.۳۶۴	پاکستان	۰.۰۶۹	۰.۳۴۹
۳۵	پرتغال	۰.۹۷۵	۰.۳۲۰	پاراگوئه	۰.۲۳۰	۰.۲۹۷
۳۶	اسلونی	۰.۶۸۰	۰.۲۴۲	پرو	۰.۴۰۳	۰.۲۴۲
۳۷	آفریقای جنوبی ^۴	۰.۶۰۱	۰.۳۰۷	لهستان ^۲	۰.۴۹۷	۰.۱۷۵
۳۸	اسپانیا	۰.۵۰۵	۰.۱۴۷	رومانی	۰.۳۳۶	۰.۲۰۶
۳۹	سوئد	۰.۶۶۳	۰.۲۵۰	روسیه	۰.۲۸۱	۰.۲۴۱
۴۰	سوئیس	۰.۷۸۰	۰.۲۰۸	جمهوری اسلواکی ^۱	۰.۴۹۴	۰.۳۵۷
۴۱	انگلستان	۰.۸۴۵	۰.۱۷۸	تایلند	۰.۴۶۷	۰.۳۶۳
۴۲	ایالات متحده	۰.۷۲۵	۰.۱۰۶	ترکیه	۰.۱۱۴	۰.۱۸۲
۴۳	اروگوئه ^۴	۰.۹۲۱	۰.۰۶۰			

۱- حد مرزی بدترین‌ها

۲- حد مرزی بهترین‌ها

۳- حد مرزی خودساخته‌ها

۴- حد مرزی خوشگذران‌ها

جدول ۵: شاخص آسیب‌پذیری بریگولیو-گالی

رتبه	شاخص	کشور	رتبه*	شاخص	کشور	ردیف
۱۱	۰.۵۵۰	لتونی	۵۰	۰.۲۶۳	آلبانی	۱
۳۲	۰.۳۵۷	لیتوانی	۸۱	۰.۰۷۷	آرژانتین	۲
۱۸	۰.۴۷۱	لوکزامبورگ	۷۱	۰.۱۴۱	استرالیا	۳
۳۴	۰.۳۵۶	ماداگاسکار	۶۷	۰.۱۶۶	اتریش	۴
۲۱	۰.۴۴۹	مالزی	۵۳	۰.۲۴۰	بنگلادش	۵
۱	۰.۷۶۵	مالت	۱۲	۰.۵۴۹	باربادوس	۶
۱۷	۰.۴۸۴	موریس	۴۲	۰.۲۹۴	بلژیک	۷
۸۵	۰.۰۳۵	مکزیک	۷	۰.۵۸۸	بلیز	۸
۶۱	۰.۲۰۸	مراکش	۵۶	۰.۲۲۹	بولیوی	۹
۵۱	۰.۲۵۰	نیپال	۸۶	۰.۰۰۱	برزیل	۱۰
۴۵	۰.۲۷۹	هلند	۴۱	۰.۳۰۴	کامرون	۱۱
۵۲	۰.۲۴۵	نیوزیلند	۷۸	۰.۰۸۹	کانادا	۱۲
۲۲	۰.۴۴۲	نیکاراگوئه	۴۳	۰.۲۹۰	شیلی	۱۳
۱۴	۰.۵۱۸	نیجریه	۸۷	۰.۰۰۰	چین	۱۴
۲۳	۰.۴۱۶	نروژ	۶۲	۰.۱۹۴	کلمبیا	۱۵
۴۹	۰.۲۶۷	پاکستان	۳۷	۰.۳۳۴	کاستاریکا	۱۶
۶	۰.۶۴۰	پاناما	۲۶	۰.۴۰۱	ساحل عاج	۱۷
۲۹	۰.۳۸۹	پاپوا گینه‌نو	۳۱	۰.۳۶۸	کرواسی	۱۸
۵۷	۰.۲۲۷	پاراگوئه	۵	۰.۶۴۳	قبرس	۱۹
۶۴	۰.۱۸۶	پرو	۵۴	۰.۲۳۶	جمهوری چک	۲۰
۳۰	۰.۳۷۱	فیلیپین	۴۰	۰.۳۱۱	دانمارک	۲۱
۷۴	۰.۱۳۴	لهستان	۸	۰.۵۸۸	جمهوری دومینیکن	۲۲
۶۵	۰.۱۸۵	پرتغال	۱۵	۰.۵۰۴	مصر	۲۳
۶۹	۰.۱۵۸	رومانی	۴۷	۰.۲۷۷	السالوادور	۲۴
۶۶	۰.۱۸۴	فدراسیون روسیه	۴	۰.۶۹۵	استونی	۲۵
۳۵	۰.۳۵۵	سنگال	۶۰	۰.۲۱۹	فنلاند	۲۶
۲	۰.۷۴۳	سنگاپور	۷۷	۰.۰۹۹	فرانسه	۲۷
۴۸	۰.۲۷۳	جمهوری اسلواکی	۸۲	۰.۰۷۶	آلمان	۲۸
۵۵	۰.۲۳۵	اسلوونی	۲۴	۰.۴۰۹	هندوراس	۲۹
۷۶	۰.۱۱۳	آفریقای جنوبی	۱۳	۰.۵۴۶	چین	۳۰
۶۳	۰.۱۹۲	اسپانیا	۵۸	۰.۲۲۵	مجارستان	۳۱
۳۹	۰.۳۱۸	سری‌لانکا	۱۹	۰.۴۶۵	ایسلند	۳۲
۶۸	۰.۱۵۹	سوئد	۷۰	۰.۱۵۴	هند	۳۳
۷۳	۰.۱۳۶	سوئیس	۷۵	۰.۱۳۳	اندونزی	۳۴
۴۶	۰.۲۷۸	تایلند	۲۸	۰.۳۸۹	ایران	۳۵
۲۵	۰.۴۰۸	ترینیداد و توباگو	۴۴	۰.۲۸۴	ایرلند	۳۶
۳۸	۰.۳۲۶	تونس	۳۶	۰.۲۳۹	رژیم صهیونیستی	۳۷
۷۲	۰.۱۴۰	ترکیه	۸۳	۰.۰۶۲	ایتالیا	۳۸
۲۰	۰.۴۵۷	اوگاندا	۳	۰.۷۰۶	جامائیکا	۳۹
۸۰	۰.۰۸۱	انگلستان	۷۹	۰.۰۸۱	ژاپن	۴۰
۸۴	۰.۰۴۶	ایالات متحده آمریکا	۱۰	۰.۵۵۵	اردن	۴۱
۵۹	۰.۲۲۱	اروگوئه	۲۷	۰.۳۹۱	کنیا	۴۲
۳۳	۰.۳۵۶	ونزوئلا	۹	۰.۵۶۰	کویت	۴۳

Source: Briguglio and Galea (2003).

* هرچه عدد بزرگتر باشد نشان‌دهنده این است که کشور از شرایط بهتری در این شاخص برخوردار است.

منابع

- ابراهیمی‌فر، یداله (۱۴۰۰). حلقه‌های مفقوده در ساختار تولید کشور. تهران: مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، گزارش شماره ۲۴۱.
- Atkins, J. P., Mazzi, S., & Easter, C. D. (2000). A Commonwealth vulnerability index for developing countries. *London: Commonwealth Secretariat, Economic Paper, 40*.
- Briguglio, L. (1995). 'Small Island Developing States and their Economic Vulnerabilities.' *World Development, 23 (9): 1615-32*.
- Briguglio, L. (1997). Alternative economic vulnerability indices for developing countries. *Report prepared for the Expert Group on Vulnerability Index, United Nations Department of Economic and Social Affairs-UN (DESA)*.
- Briguglio, L. (2003, September). The vulnerability index and small island developing states: A review of conceptual and methodological issues. In *AIMS Regional Preparatory Meeting on the Ten Year Review of the Barbados Programme of Action: Praia, Cape Verde*. UNESCO.
- Briguglio, L., & Galea, W. (2003). Updating the Economic Vulnerability Index Occasional Chapters on Islands and Small States. *Malta: Islands and Small States Institute of the University of Malta*.
- Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., & Vella, S. (2009). Economic vulnerability and resilience: concepts and measurements. *Oxford development studies, 37(3), 229-247*.